

درس یکم : نیکی	۱
واژگان	۱
دستور	۴
آرایه‌های ادبی	۷
قرابت معنایی	۱۰
معنا و مفهوم ابیات و عبارات	۱۲
تاریخ ادبیات	۱۶
درس دوم : قاضی بُست	۱۷
واژگان	۱۷
دستور	۲۲
آرایه‌های ادبی	۲۵
قرابت معنایی	۲۶
معنا و مفهوم ابیات و عبارات	۲۶
تاریخ ادبیات	۳۱
شعرخوانی: زاغ و کبک	۳۱

این پک به صورت کامل برای تمام دروس تجربی با یک قیمت حداقلی که تمام افراد توانایی پرداخت آن را دارند منتشر شده بنابراین استفاده رایگان از آن مورد رضایت ما نخواهد بود جهت تهیه روی همین متن قرمز لمس یا کلیک کنید

فصل یکم : ادبیات تعلیمی

درس یکم : نیکی واژگان

۱) معنای برخی واژه‌ها تنها در جمله یا زنجیره سخن قابل درک است.

با استفاده از شیوه‌های زیر:

الف) قرار دادن واژه‌ها در جمله:

– ماه، طولانی بود. – ماه، تابناک بود.

ب) توجه به رابطه‌های معنایی (ترادف، تضاد، تضمّن و تناسب)

اکنون برای دریافت معانی واژه‌های «دست» و «تند» با استفاده از دو روش بالا، نمونه‌های مناسب بنویسید.

۲) رابطه معنایی واژه‌های داخل کمانک را بنویسید. (زشت و زیبا)

۳) میان دو واژه ماه و ستاره کدام رابطه معنایی وجود دارد؟

الف) ترادف ب) تضمّن پ) تضاد ت) تناسب

۴) در جمله‌های زیر، فعل‌هایی که از مصدر «گرفتن» ساخته شده‌اند، از نظر با هم تفاوت دارند.

الف) خورشید گرفت.

ب) خورشید که غروب کرد، دلم گرفت.

پ) هنگام دویدن، عضلات پایم گرفت.

۵) با توجه به بیت «زنخداں فرو برد چندی به جیب / که بخشنده روزی فرستد ز غیب» به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید.

الف) واژه «روزی» در این بیت به چه معناست؟

ب) از کدام شیوه می‌توان به معنای واژه «روزی» در بیت فوق پی بُرد؟

۶) معنای واژه «چنگ» را در ابیات زیر بررسی کنید.

الف) همچو چنگ ار به کناری ندهی کام دلم از لب خویش چو نی یک نفسی بنوازم

ب) رفت و مادر را افکند به خاک سینه بدید و دل آورد به چنگ

۷) با استفاده از چه شیوه‌ای می‌توان به معنای واژه چنگ در بیت زیر پی برد؟

«در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیر ییامد شغالی به چنگ»

۸) در ابیات زیر رابطه معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) زنخداں فروبرد چندی به جیب که بخشنده روزی فرستد ز غیب

ب) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

۹) در بیت «یکی روبهی دید بی‌دست و پای فروماند در لطف و صنع خدای» بین واژه‌های «دست» و «پای» چه رابطه معنایی وجود دارد؟

۱۰) هر یک از واژه‌های مشخص شده در ابیات زیر چه رابطه معنایی دارند؟

الف) کرم ورزد آن سر که مغزی دروست که دون‌همّتانند بی‌مغز و پوست

ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه مانی چو روبه به وامانده سیر

۱۱ در ابیات زیر رابطه معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) به ترتیبی نهاده وضع عالم
ب) اگر لطفش قرین حال گردد
پ) برگ درختان سبز در نظر هوشیار
که نی یک موی باشد بیش و نی کم
همه ادبارها اقبال گردد
هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

۱۲ روابط معنایی واژگان زیر را بنویسید.

الف) بهار و فصل:
ب) عبادت و بنده:
پ) اقبال و ادبار:
ت) نژد و اندوهگین:

۱۳ هر یک از واژه‌های ستون اول را به واژه‌های معادل آن در ستون دوم وصل کنید.

الف) آشفته حال (۱) دَغَل
ب) مگار (۲) نژند
پ) اندوهگین (۳) شوریده رنگ
ت) پشت کردن (۴) ادبار

۱۴ مثنوی «فرهاد و شیرین» سروده شاعر پارسی گوی قرن دهم است.

۱۵ در عبارت زیر رابطه معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«مور چون این بشنید بخندید و گفت: مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن»
۱۶ واژه‌های مترادف را به هم وصل کنید.

الف) گریبان (۱) حمیت

ب) جوانمردی (۲) توفیق

پ) سازگار گردانیدن (۳) قوت

ت) غذا (۴) جیب

۱۷ معادل واژه‌های «روی آوردن، بداندیشی، کوتاه‌همت و اندوهگین» را در ابیات زیر پیدا کنید.

الف) خرد را گر نبخشد روشنایی
ب) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
پ) بلند آن سر، که او خواهد بلندش
ت) اگر لطفش قرین حال گردد
بماند تا ابد در تیره‌رایی
که دون همتانند بی‌مغز و پوست
نژند آن دل که او خواهد نژندش
همه ادبارها اقبال گردد

۱۸ معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف: معیار دوستان دغل روز حاجت است / قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب «صائب»
ب: صورت بی صورت بی حد غیب / ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب «مولوی»
پ: فخری که از وسیلت دون همتی رسد / گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار «اوحدی»

۱۹ در مصراع‌های زیر، مترادف واژه‌های «متخیرشد، شیرینی، طعم، گریبان» را بیابید.

الف) به نام چاشنی بخش زبان‌ها
ب) فروماند در لطف و صنع خدای
پ) زنخدان فرو برد چندی به جیب
ت) حلاوت بخش معنی در بیان‌ها

۲۰) معنی هریک از واژه‌های مشخص را در ابیات زیر بنویسید.

الف) دگر روز باز اتفاق افتاد روزی رسان قوت روزش بداد

ب) کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای

پ) زنخدان فرو برد چندی به جیب که بخشنده، روزی فرستد ز غیب

۲۱) در ابیات و عبارات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیری برآمد شغالی به چنگ

ب) شغال نگون‌بخت را شیر خورد بماند آنچه روباه از آن سیر خورد

پ) این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟

۲۲) واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) در ناپسته احسان گشاده‌ست به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست

ب) یکی روبهی دید بی‌دست و پای فروماند در لطف و صنع خدای

۲۳) در ابیات و عبارات زیر هریک از واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند نه به قوت تن .

ب) بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش

۲۴) معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) خرد را گر نبخشد روشنایی بماند تا ابد در تیره‌رایی

ب) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

۲۵) واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیری در آمد، شغالی به چنگ

ب) و گر توفیق او یک سو نهد پای نه از تدبیر کار آید نه از رای

۲۶) در ابیات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید .

الف) اگر لطفش قرین حال گردد همه ادبارها، اقبال گردد

ب) بروشیر درنده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شل

۲۷) واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) کرم ورزد آن سر که مغزی دروست که دون همتانند بی‌مغز و پوست

ب) اگر لطفش قرین حال گردد همه ادبارها، اقبال گردد

۲۸) معنی هریک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) به نام چاشنی بخش زبان‌ها حلاوت سنج معنی در بیان‌ها

ب) زنخدان فرو برد چندی به جیب که بخشنده روزی فرستد ز غیب

۲۹) معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف) به نام چاشنی بخش زبان‌ها

ب) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد

پ) که روزی نخوردند پیلان به زور

ت) چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟

ث) [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟

۳۰) با توجه به معانی داده‌شده، یک واژه مناسب از متن درس «نیکی» بیابید.

الف) آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد.

ب) نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد:

پ) اندیشه کردن در عاقبت کار:

ت دست و پای از کار افتاده:

۳۱ غلط‌های املائی را در بیت‌های زیر مشخص کنید و درست آنها را بنویسید.

الف

گریهٔ شام و سحر شکر که ضایه نگشت قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد

ب

دگر روز باز اتفاغ اوفتاد که روزی رسان قوت روزش بداد

پ

به گوش ارقوان آهسته گفتم بهارت خوش که فکر دیگرانی

ت

معیار دوستانِ دغل روز حاجت است غرضی به رسم تجربه از دوستان طلب

ث

فخری که از وسیلت دون همتی رسد گر نام و ننگ داری، از آن فخر، آر دار

۳۲ در میان گروه کلمات زیر، نادرستی املائی را بیابید و تصحیح کنید.

«شیر و شغال - قوت و خوراک - زَنخدان و جیب - مهرباب مسجد - فریبکار و دَغَل - دون همت»

۳۳ در کدام گزینه نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.

۱) به نام چاشنی بخش زبان‌ها حلاوت سنج معنی در بیان‌ها

۲) اگر لطفش قرین حال گردد همه ادبارها اقبال گردد

۳) خرد را گر نبخشد روشنایی بماند تا عید در تیره‌رایی

۴) یکی روبهی دید بی دست و پای فروماند در لطف و صنُع خدای

دستور

۳۴ در دو بیتی زیر نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته جانی

به گوش ارغوان آهسته گفتم بهارت خوش که فکر دیگرانی

۳۵ با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«بگیر ای جوان، دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر»

الف) در بیت چند فعل امر وجود دارد؟

ب) کدام واژه نقش منادا دارد؟

۳۶ پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز را در نمونه‌های زیر مشخص کنید:

الف

یقین مرد را دیده بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد

ب

چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر

پ

بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش

ت

خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است

۳۷ معانی فعل «شد» را در سروده زیر بررسی کنید.

الف) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت
ب) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
قطره باران ما گوهر یک دانه شد
دل بر دلداری رفت، جان بر جانانه شد «حافظ»

۳۸ در بیت زیر نوع وابسته واژه مشخص شده را بنویسید.

«با زمانی دیگر انداز ای که پندم می دهی
کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست»
۳۹ با توجه به بیت زیر به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید.

«خرد را گر نبخشد روشنایی
بماند تا ابد در تیره رایی»

الف) در مصراع اول مفعول را بیابید.

ب) فعل مصراع دوم گذرا است یا ناگذر؟

پ) نقش دستوری «خرد» را مشخص کنید.

۴۰ در ابیات زیر «فعل»های حذف شده را بیابید و نوع حذف را مشخص سازید. (لفظی - معنوی)

الف) به نام چاشنی بخش زبان ها
ب) بلند آن سر که او خواهد بلندش
حلاوت سنج معنی در بیان ها
نژند آن دل که او خواهد نژندش

۴۱ تفاوت معنایی فعل «شد» را در بیت های زیر بررسی کنید.

الف) مگر دیوانه خواهم شد درین سودا که شب تا روز
ب) سر ما و در میخانه که طرف (سمت) بامش
سخن با ماه می گویم پری در خواب می بینم
به فلک، بر شد و دیوار بدین کوتاهی

۴۲ فعل «شد» در کدام یک از ابیات زیر فعل اسنادی است؟

الف) خرامان (به آهستگی) بشد سوی آب روان
ب) ز تاب آتش دوری شدم غرق عرق چون گل
چنان چون شده باز جوید روان
بیارای باد شبگیری نسیمی زان عرق چینم
پ) هرگز به یمن عاطفت پیر می فروش
ساغر تهی نشد ز می صاف روشنم

۴۳ معنای فعل «شد» در بیت های زیر چه تفاوتی دارد؟

الف) چنان پر شد فضای سینه از دوست
ب) روزگاری شد که در میخانه خدمت می کنم
که فکر خویش گم شد از ضمیرم
در لباس فقر کار اهل دولت می کنم

۴۴ معنای فعل «شد» را در هر یک از مصراع های زیر بنویسید.

الف) تا آشنای عشق شدم ز اهل رحمتم
ب) به غیر از آنکه بشد دین و دانش از دستم
پ) یار بیگانه مشو تا نبری از خویشم

۴۵ فعل «شد» در کدام یک از ابیات زیر به معنی «رفت» است؟

الف) دلم رمیده شد و غافل من درویش
ب) کوه صبرم نرم شد چون موم در دست غمت
پ) شد آن که اهل نظر بر کناره می رفتند
که آن شکاری سرگشته را چه آمد پیش
تا در آب و آتش عشقت گذارم چو شمع
هزار گونه سخن در زبان و لب خاموش

۴۶ معنای فعل «شد» در بیت های زیر چه تفاوتی با هم دارد؟

الف) تا بگویم که چه کشمف شد ازین سیر و سلوک
ب) قد تو تا بشد از جویبار دیده من
به در صومعه با بریط و پیمان روم
به جای سرو جز آب روان نمی بینم

۴۷ در ابیات زیر معنای فعل «شد» را بنویسید.

الف) دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست
ب) تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم
گفت با ما منشین کز تو سلامت برخاست
از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم

۴۸ در هر یک از ابیات زیر معنای واژه «شد» را بنویسید.

الف) دی (دیروز) می شد و گفتم صنما عهد به جای آر
ب) واعظ خلوت نشین دوش به میخانه شد
گفتا غلطی خواجه درین عهد وفا نیست
از سر پیمان گذشت بر سر پیمان شد

۴۹ در بیت زیر نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش

۵۰ با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

یقین مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد»

الف در مصراع اول مفعول را بیابید.

ب معنای فعل «شد» را بنویسید.

پ در مصراع دوم یک عبارت کنایی بیابید.

ت فعل اول بیت چند جزئی و گذرا به چیست؟

۵۱ با توجه به ابیات زیر به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید.

دگر روز باز اتفاق اوفتاد که روزی رسان قوت روزش بداد

کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور

الف مرجع ضمیر «ش» در «روزش» چه کسی است؟

ب مفهوم کدام بیت مقدّر بودن روزی و بی تأثیری زورمندی در میزان روزی است؟

پ در بیت دوم دو «نماد» پیدا کنید.

۵۲ با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست»

الف نقش ضمیر «ش» را در واژه‌های «خوردش» و «چنگش» مشخص کنید.

ب مفهوم مصراع دوم بیت را بنویسید.

۵۳ با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجب گفتند: «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟»

الف چند بار از «را» مفعولی استفاده شده است؟

ب یک کنایه بیابید.

۵۴ برای هر یک از واژگان زیر یک هم‌خانواده یا یک هم‌ریشه بنویسید.

الف غایب:

ب تدبیر:

پ احزان:

۵۵ در هر یک از بیت‌های زیر، هسته گروه‌های اسمی مشخص شده را بنویسید.

الف

بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش

ب

بگیر ای جوان، دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر

پ

چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش

۵۶ در هر یک از بیت‌های زیر نوع وابسته گروه‌های اسمی مشخص شده را بنویسید.

الف

بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش

ب

در نایسته احسان گشاده‌دست به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست

پ

به ترتیبی نهاده وضع عالم
هر یک از بیت‌های زیر چند جمله دارد؟

الف

بگیر ای جوان، دست درویش پیر
نه خود را بیفکن که دستم بگیر

ب

بخور تا توانی به بازوی خویش
که سعیت بود در ترازوی خویش

پ

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
شد و تکیه بر آفریننده کرد

در اشعار زیر نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.

الف

به ترتیبی نهاده وضع عالم
که نی یک موی باشد بیش و نی کم

ب

شغال نگون‌بخت را شیر خورد
بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

درستی یا نادرستی هر عبارت را مشخص کنید.

الف

در بیت «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست» می‌توان از شیوه قرار گرفتن واژه در جمله به معنا کلمه «چنگ» پی برد.

۶۰ در بیت

دگر روز باز اتفاق اوفتاد
که روزی رسان قوتِ روزش بداد
«صفت مبهم» را مشخص کنید.

۶۱ نقش ضمیر مشخص شده را در بیت زیر نشان دهید.

«چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
ز دیوار محرابش آمد به گوش»

۶۲ برای کاربرد هریک از موارد زیر، نمونه‌ای در متن درس «نیکی» بیابید.

- پیوندهای هم‌پایه‌ساز:

- پیوندهای وابسته‌ساز:

آرایه‌های ادبی

۶۳ معنی کنایه‌های مشخص شده را بنویسید:

الف) ز آن دست شستم از خود تا دست من نگیری
ب) تاروپود هستی‌ام بر باد رفت اما نرفت
زان چون خیال گشتم تا در دلم گذاری
عاشقی‌ها از دلم، دیوانگی‌ها از سرم

۶۴ ارکان تشبیه را در بیت زیر معین کنید.

«تو همچون گل ز خندیدن لب‌ت باهم نمی‌آید
روا داری که من بلبل چو بوتیمار بنشینم»

۶۵ در مصراع اول بیت زیر ارکان تشبیه را مشخص سازید.

«برو شیر درنده باش ای دَغَل
مینداز خود را چو روباه شل»

۶۶ در هریک از ابیات زیر آرایه «کنایه» را بیابید.

الف) بی علم، دین همی چه طمع داری
ب) دست هجر تو دهانم را دوخت
پ) به خشم رفته ما را که می‌برد پیغام؟
د) در هاون آب، خیره چرا سایی؟
تا نگویم که مکن پرده‌داری
بیا که ما سپر انداختیم اگر جنگ است

- ۶۷ در ابیات زیر آرایه «کنایه» را بیابید و مفهوم عبارت کنایی را بنویسید
- الف) ای دریده یوسفان را پوستین از راه ظلم باش تا گرگی شوی و پوستین خود دری
ب) خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که درو غش باشد
پ) از دو عالم دست کوتاه کن چو سرو آزاده وار کان که کوتاه دست باشد در جهان سرور شود
- ۶۸ ارکان تشبیه را در مصراع دوم بیت زیر مشخص کنید.
- «چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟»
- ۶۹ از متن درس «نیکی»، دو کنایه بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.
- ۷۰ در بیت زیر «کنایه و مجاز» را بیابید.
- «بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش»
- ۷۱ با وجه شبه‌های زیر تشبیه بسازید و ارکان تشبیه را در آن نشان دهید.
- الف) بخشندگی:
- ب) پاکی:
- پ) زیبایی:
- ۷۲ با هر یک از مشبّه‌های زیر یک تشبیه بسازید. (هر چهار رکن تشبیه وجود داشته باشد).
- الف) دریا:
- ب) آینه:
- پ) گل سرخ:
- ۷۳ با هریک از مشبّه‌های زیر یک تشبیه بسازید. (هر چهار رکن تشبیه وجود داشته باشد).
- الف) شب:
- ب) کتاب:
- پ) دوست:
- ۷۴ معنی کنایه‌های مشخص شده را بنویسید.
- الف) و گر توفیق او یک سو نهد پای نه از تدبیر کار آید نه از رای
ب) به ترتیبی نهاده وضع عالم که نی یک موی باشد بیش و نی کم
- ۷۵ در بیت زیر دو عبارت کنایی بیابید.
- «بگیر ای جوان دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر»
- ۷۶ در کدام یک از ابیات زیر «کنایه» وجود دارد؟ آن را بیابید و معنا کنید.
- الف) همی رفت تا مرز توران رسید ز دشمن کسی را به ره بر ندید
ب) فریاد که دستم نگرفتند و به یک بار از پای فکندند من بی سروپا را
- ۷۷ در بیت «گفتا برو چو خاک تحمّل کن ای فقیه / یا هرچه خوانده‌ای همه در زیر خاک کن» ارکان تشبیه مصراع اول را بیابید.
- ۷۸ ارکان تشبیه را در مصراع اول بیت زیر معین کنید.
- «ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد ساقی به دور بادۀ گلگون شتاب کن»
- ۷۹ با توجه به بیت «بلند آن سر که او خواهد بلندش / نژد آن دل که او خواهد نژدش» به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید.
- الف) بیت را به نثر روان برگردانید.
- ب) یک مجاز در بیت بیابید.
- پ) در مصراع اول بیت یک کنایه بیابید.
- ۸۰ «استعاره» را در بیت‌های زیر مشخص کنید.
- الف)

ب

کسی نیک بیند به هر دو سرای
که نیکی رساند به خلقِ خدای
۸۱ در هر یک از بیت‌های زیر کنایه‌ها و مفهوم آنها را بنویسید.

الف

بگیر ای جوان، دست درویش پیر
نه خود را بیفکن که دستم بگیر

ب

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
شد و تکیه بر آفریننده کرد

پ

در این بود درویش شوریده‌رنگ
که شیری برآمد، شغالی به چنگ
۸۲ آرایه ادبی مقابل هر بیت را در آن نشان دهید.

الف

بلند آن سر که او خواهد بلندش
نژند آن دل که او خواهد نژندش (مجاز)

ب

اگر لطفش قرین حال گردد
همه ادبارها اقبال گردد (تضاد)

پ

در این بود درویش شوریده‌رنگ
که شیری برآمد شغالی به چنگ (واج آرایی)

۸۳ در بیت زیر، شاعر چگونه آرایه جناس همسان (تام) را پدید آورده است؟

با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست «سعدی»

۸۴ در بیت زیر کدام واژه ایهام تناسب دارد؟

«نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست»

۸۵ بیت «بلند آن سر که او خواهد بلندش / نژند آن دل که او خواهد نژندش» به کدام یک از آیات شریفه زیر تلمیح دارد؟

الف) تُعْزُ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدَلُّ مَنْ تَشَاءُ

ب) اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

۸۶ در بیت زیر تفاوت معنایی واژه «چنگ» کدام آرایه را پدید آورده است؟

«ایا غزال‌سرای و غزل‌سرای بدیع
بگیر چنگ به چنگ اندر و غزل‌سرای»

۸۷ «تلمیح» به کاررفته در ابیات زیر را بنویسید.

الف

بلند آن سر، که او خواهد بلندش
نژند آن دل، که او خواهد نژندش

ب

در نابسته احسان گشاده‌ست
به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست

پ

یکی روبهی دید بی‌دست‌وپای
فرماند در لطف و صنع خدای

ت

بخور تا توانی به بازوی خویش
که سعیت بود در ترازوی خویش

ث

به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها

۸۸ در بیت زیر، آرایه‌های «مجاز، جناس ناهمسان و تضاد» را پیدا کنید.

«کرم ورزد آن سر که مغزی دروست
که دون‌همتانند بی مغز و پوست»

۸۹ در بیت زیر آرایه‌های «واج آرای، کنایه و اضافه استعاری» را بیابید.

«در نایسته احسان گشاده‌ست به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست»

۹۰ با توجه به بیت زیر، به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید.

«نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست»

الف) ارکان تشبیه را بنویسید.

ب) آرایه تضاد بیت را بیابید.

۹۱ با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

۱) فخری که از وسیت دون‌همتی رسد گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار

۲) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب

الف) در کدام بیت تناقض یافت می‌شود؟

ب) کدام بیت به داستان یکی از پیامبران اشاره می‌کند؟

پ) در بیت اول تضاد را بیابید.

۹۲ با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای»

الف) «هر دو سرای» استعاره از چیست؟

ب) یک جناس ناهمسان بیابید.

۹۳ در بیت زیر آرایه‌های «حس آمیزی، کنایه، مجاز» را بیابید.

«به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها»

۹۴ با توجه به بیت «چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار محرابش آمد به گوش» به سؤالات پاسخ دهید.

الف) آیا در بیت آرایه تشبیه وجود دارد؟

ب) چه واژه‌هایی در بیت جناس ناهمسان دارند؟

۹۵ با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور»

الف) یک جناس غیرهمسان پیدا کنید.

ب) ارکان تشبیه را در مصراع اول بیابید.

پ) یک کنایه در بیت بیابید.

قرابت معنایی

۹۶ ارتباط معنایی ابیات زیر را توضیح دهید.

الف) کمال عقل آن باشد در این راه که گوید نیستم از هیچ آگاه

ب) عقل نه پی می‌برد ره به کمالات حق جز که ز خود در میان هیچ نبیند که هیچ

۹۷ با توجه به پیام و مفهوم ابیات، بیت‌هایی که قرابت مفهومی دارند، را به هم وصل کنید.

- (۱) همه را از طریق حکمت و داد
(۲) بلند آن سر که او خواهد بلندش
- آنچه بایست بیش از آن همه داد
نژند آن دل که او خواهد نژندش

الف) عزیزی و خواری تو بخشی و بس
ب) در نایسته احسان گشاده‌ست

عزیز تو خواری نبیند ز کس
به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست

۹۸ کدام یک از ابیات زیر با یکدیگر ارتباط معنایی دارند؟

- الف) زنخدان فرو برد چندی به جیب
ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
- که بخشنده روزی فرستد ز غیب
چه باشی چو روبه به وامانده سیر
- پ) کزین پس نشینم به کنجی چو مور
که روزی نخوردند پیلان به زور

۹۹ بیت‌های زیر را بر اساس مفاهیم «به خود متکی بودن، فقیر نوازی، رزاقیت الهی» مرتب کنید.

- الف) بخور تا توانی به بازوی خویش
ب) در نایسته احسان گشاده‌ست
- که سعیت بود در ترازوی خویش
به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست
- ج) بگیر ای جوان دست درویش پیر
نه خود را بیفکن که دستم بگیر

۱۰۰ بیت زیر با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟

- الف) ره نیک‌مردان آزاده گیر
ب) افتادگی آموز اگر طالب فیضی
- «آن کس که افتاد خدایش گرفت دست
گو بر تو باد تا غم افتادگان خوری»
- چو استاد‌ای دست افتاده گیر
هر گز نخورد آب زمینی که بلند است

۱۰۱ ضرب المثل «فرزند خصال خویشان باش» با کدام از ابیات زیر قرابت معنایی دارد؟

- الف) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
ب) کسی نیک بیند به هر دو سرای
- چه باشی چو روبه به وامانده سیر
که نیکی رساند به خلق خدای

۱۰۲ با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

- «چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟»

الف) منظور از واژه «وامانده» در مصراع دوم چیست؟

ب) بیت را معنا کنید.

پ) مفهوم بیت سفارش به چه امری است؟

۱۰۳ مفهوم کنایی هر یک از عبارات زیر را بنویسید.

الف) زنخدان به جیب فرو بردن:

ب) سعيات بُود در ترازوی خویش:

پ) دل در چنگ نبودن:

ت) دیده را بیننده کردن:

۱۰۴ بیت «از کم و بیش نکته‌ای نگذاشت / که نه ایزد در این صحیفه (کتاب) نگاشت» با کدام یک از ابیات درس قرابت معنایی دارد؟

- الف) خرد را گر نبخشد روشنایی
ب) به‌ترتیبی نهاده وضع عالم
- بماند تا ابد در تیره رای
که نی یک موی باشد بیش و نی کم

۱۰۵ بیت «کسی خُسب آسوده در زیر گل / که خُسبند از او مردم آسوده دل» دقیقاً با کدام یک از ابیات زیر تناسب معنایی دارد؟

- الف) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
ب) خدا را بر آن بنده بخشایش است
- که دونه‌مانند بی مغز و پوست
که خلق از وجودش در آسایش است

۱۰۶ با توجه به بیت زیر به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید.

«بلند آن سر، که او خواهد بلندش
نژد آن دل، که او خواهد نژندش»

الف) مرجع ضمیر «او» در هر دو مصراع کیست؟

ب) بیت بالا چه ارتباطی با متن زیر دارد؟

«ارجمند گردانندهٔ بندگان از خواری و در پای افکنندهٔ گردنکشان از سروری.»

۱۰۷ کدام گزینه با بیت زیر ارتباط معنایی دارد؟

رزق هر چند بی گمان برسد

شرط عقل است جُستن از درها»

۱) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

۲) برو شیر درنده باش ای دَغَل

مینداز خود را چو روباه شل

۳) خدا را بر آن بنده بخشایش است

که خلق از وجودش در آسایش است

۴) کسی نیک بیند به هر دو سرای

که نیکی رساند به خلق خدای

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۰۸ با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«اگر لطفش قرین حال گردد

همه ادبارها اقبال گردد

و گر توفیق او یک سو نهد پای

نه از تدبیر کار آید نه از رای»

*مفهوم ابیات دوگانهٔ بالا چه چیزهایی را با هم مقایسه می کند؟

۱۰۹ باتوجه به بیت زیر بخشایش و عفو الهی از آن چه کسی است؟

خدا را بر آن بنده بخشایش است

که خلق از وجودش در آسایش است

۱۱۰ در بیت زیر شاعر «بخشندگی» را حاصل چه می داند؟

کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست

که دون همتانند بی مغز و پوست

الف) ثروتمندی

ب) مهربانی و عاطفه

ج) خردمندی

د) دوری از دون همتان

۱۱۱ مفهوم کدام یک از ابیات زیر متفاوت است؟

الف) یقین مرد را دیده بیننده کرد

شد و تکیه بر آفریننده کرد

ب) کزین پس به کنجی نشینم چو مور

که روزی نخوردند پیلان به زور

ج) زنخدان فرو برد چندی به جیب

که بخشنده روزی فرستد ز غیب

د) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

۱۱۲ دربارهٔ ارتباط معنایی متن درس «نیکی» و مَثَل «از تو حرکت، از خدا برکت» توضیح دهید.

۱۱۳ برای مفهوم هریک از سروده های زیر، بیتی مناسب از متن درس «نیکی» بیابید.

الف) رزق هر چند بی گمان برسد

شرط عقل است جُستن از درها «سعدی»

ب) سحر دیدم درخت ارغوانی

کشیده سر به بام خسته جانی

به گوش ارغوان آهسته گفتم:

بهارت خوش که فکر دیگرانی «فریدون مشیری»

پ) چه در کار و چه در کار آزمودن

نباید جز به خود، محتاج بودن «پروین اعتصامی»

۱۱۴) درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید.

«یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
شد و تکیه بر آفریننده کرد»

۱۱۵) معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

«گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
که دون همتانند بی مغز و پوست»

۱۱۶) در شعر «نیکي»، «شیر» و «روباه» نماد چه کسانی هستند؟

۱۱۷) مفهوم دقیق تر بیت زیر کدام است؟

«رزق هر چند بی گمان برسد
شرط عقل است جستن از درها»

الف) اتکا نمودن به رزق و روزی از سوی خدا.

ب) روزی مقدر است ولی تلاش شرط عقل است.

۱۱۸) مفهوم کلی بیت زیر چیست؟

«با زمانی دیگر انداز ای که پندم می دهی
کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست»

۱۱۹) با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

۱) معیار دوستان دَغَل روز حاجت است
قرضی برای تجربه از دوستان طلب
۲) صورت بی صورت بی حد غیب
ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب

الف) در بیت اول وسیله سنجش دوستان خوب از بد چیست؟

ب) مفهوم کلی بیت دوم چیست؟

۱۲۰) با توجه به بیت زیر شرط خردمندی چیست؟

«گرم ورزد آن سر که مغزی دروست
که دون همتانند بی مغز و پوست»

۱۲۱) از کدام یک از ابیات زیر مفهوم «بی آزاری» یافت می شود؟

الف) بگیر ای جوان دست درویش پیر
نه خود را بیفکن که دستم بگیر
ب) گرم ورزد آن سر که مغزی دروست
که دون همتانند بی مغز و پوست
پ) خدا را به آن بنده بخشایش است
که خلق از وجودش در آسایش است

۱۲۲) کدام یک از ابیات زیر به مضمون آیه شریفه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم ۳۹) اشاره و تلمیح دارد؟

الف) خدا را بر آن بنده بخشایش است
که خلق از وجودش در آسایش است
ب) گرم ورزد آن سر که مغزی دروست
که دون همتانند بی مغز و پوست
پ) بخور تا توانی به بازوی خویش
که سعیت بود در ترازوی خویش

۱۲۳) ابیات زیر را معنا کنید.

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش
که سعیت بود در ترازوی خویش
ب) گرم ورزد آن سر که مغزی دروست
که دون همتانند بی مغز و پوست

۱۲۴) با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«برو شیر درنده باش، ای دَغَل
مینداز خود را چو روباه شَل»

الف) دو نماد در بیت پیدا کنید.

ب) یک عبارت کنایی بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

پ) مفهوم نهایی بیت توصیه به چه امری است؟

۱۲۵) بیت زیر را معنا کنید.

«نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست»

۱۲۶ بیت زیر را به نثر روان برگردانید.

«زنخداں فرو برد چندی به جیب / که بخشنده روزی فرستد ز غیب»

۱۲۷ بیت زیر را معنا کنید.

«شغال نگون بخت را شیر خورد / بماند آنچه روباه از آن سیر خورد»

۱۲۸ هریک از ابیات زیر را به فارسی روان برگردانید.

الف) اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادبارها اقبال گردد
ب) و گر توفیق او یک سو نهد پای / نه از تدبیر کار آید نه از رای

۱۲۹ مفهوم دقیق بیت «به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم» در کدام گزینه یافت می‌شود؟

الف) آفرینش انسان از خاک
ب) نظام احسن آفرینش
پ) لطف و کرم خدا در خلقت مخلوقات

۱۳۰ بیت زیر را معنی کنید.

«در نایسته احسان گشاده‌ست / به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست»

۱۳۱ بیت «کلاه سعادت یکی بر سرش / گلیم شقاوت یکی در برش» با کدام یک از ابیات زیر تناسب مفهومی دارد؟

الف) به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم
ب) بلند آن سر که او خواهد بلندش / نژند آن دل که او خواهد نژندش

۱۳۲ بیت «به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها / حلاوت سنج معنی در بیان‌ها» را به نثر روان برگردانید.

۱۳۳ اگر بیت «بلند آن که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش» بیت دوم یک منظومه دوایست بیتی باشد و هر بیت آن منظومه، قافیه‌ای جداگانه داشته باشد قالب شعری آن شعر چیست؟

الف) قصیده
ب) مثنوی

۱۳۴ مفهوم بیت «چو شیر آنکه را گردنی فربه است / گر افتد چو روبه، سگ از وی به است» چیست؟

الف) سرزنش کاهلی و تنبلی / ب) سرزنش مردم آزاری

۱۳۵ با توجه به بیت زیر به سؤال مطرح شده پاسخ دهید.

«که چون زندگانی به سر می‌برد؟ / بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟
در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری بر آمد، شغالی به چنگ»

مرجع ضمیر «این» در بیت دوم، چیست؟

۱۳۶ با توجه به بیت زیر از نظر وحشی بافقی چه عاملی مایه کمال عقل می‌شود؟

«کمال عقل آن باشد درین راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه»

۱۳۷ منظور از «روشنایی بخشیدن» به خرد در بیت زیر چیست؟

«خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره‌رایی»

۱۳۸ با توجه به بیت زیر، اگر خداوند به خرد و عقل روشنایی ندهد چه عواقبی دارد؟

«خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره‌رایی»

۱۳۹ با توجه به بیت زیر، آیا عده‌ای خاص از نعمت‌های خدا بهره می‌برند؟

«در نایسته احسان گشاده است / به هر کس آنچه می‌بایست، داده است»

۱۴۰ با توجه به ابیات زیر به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید.

اگر لطفش قرین حال گردد
به ترتیبی نهاده وضع عالم
همه ادبارها اقبال گردد
که نی یک موی باشد بیش و نی کم

الف) کدام بیت به حکمت و تدبیر الهی اشاره دارد؟

ب) مرجع ضمیر «ش» در بیت اول به کیست؟

۱۴۱ وحشی بافقی در بیت زیر خداوند متعال را به خاطر چه ویژگی و خصوصیتی ستایش می‌کند؟

به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها

۱۴۲ مفهوم بیت «به ترتیبی نهاده وضع عالم»
که نی یک موی باشد بیش و نی کم، را با بیت زیر مقایسه کنید:

کمال حُسن تدبیرش چنان آراست عالم را
که تا دور آبد باقی براو حُسن و ثنا آمد

۱۴۳ منظور از «فروماندن» در مصراع «فروماند از لطف و صنع خدای» بیان کدام حالت از حالت‌های رفتاری است؟

الف) توهم

ب) تحیر

۱۴۴ معنای بیت‌های زیر را بنویسید.

الف

به ترتیبی نهاده وضع عالم
که نی یک موی باشد بیش و نی کم

ب

چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
ز دیوار محرابش آمد به گوش

پ

چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

۱۴۵ مفهوم هر یک از موارد زیر را بنویسید.

الف

برو شیر درنده باش، ای دَغَل
مَیْنَداز خود را چو روباه شل

ب

بخور تا توانی به بازوی خویش
که سَعِیت بود در ترازوی خویش

پ

کسی نیک بیند به هر دو سرای
که نیکی رساند به خلقِ خدای

۱۴۶ در ابیات زیر، قسمت‌های مشخص‌شده چه مفهومی دارند؟

الف

یکی روبهی دید بی دست و پای
فرو ماند در لطف و صُنْع خدای

ب

زَنَخْدان فرو بُرد چندی به جیب
که بخشنده روزی فرستد ز غیب

پ

بخور تا توانی به بازوی خویش
که سَعِیت بود در ترازوی خویش

۱۴۷ اشعار و عبارات زیر را به نثر ساده و روان برگردانید.

الف

زَنَخْدان فرو برد چندی به جیب.

ب

ناگاه، آن دیدند که چون آب نیرو کرده بود و کشتی پُر شده، نشستند و دریدن گرفت.

۱۴۸ معنی عبارات و ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف

به نشاط، قلم درنهاد.

ب) بگیر ای جوان، دست درویش پیر

۱۴۹ در بیت

در نایسته احسان گشاده‌ست
به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست
منظور از مصراع دوم چیست؟

۱۵۰ در مصراع «بلند آن سر که او خواهد بلندش» منظور از «او» کیست؟

۱۵۱ با توجه به بیت

«شغالِ نگون بخت را شیر خورد
بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد»
«شیر» و «روباه» نماد چه کسانی هستند؟

۱۵۲ مفهوم کلی حکایت زیر را بنویسید.

«موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته، به تعجب گفتند: این مور را ببینید که به این گرانی چون می‌کشد؟»
مور چون این بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.»

۱۵۳ نوع ادبی هر یک از شعرهای زیر را بنویسید.

الف. بگیر ای جوان، دست درویش پیر	نه خود را بیفکن که دستم بگیر
خدا را بر آن بنده بخشایش است	که خلق از وجودش در آسایش است
ب. مجنون چو حدیث عشق بشنید	اول بگریست، پس بخندید
از جای چو مار حلقه برجست	در حلقه زلف کعبه زد دست

تاریخ ادبیات

۱۵۴ کدامیک از بیت‌های زیر سروده «حافظ شیرازی» است؟

الف) یقین مرد را دیده بیننده کرد	شد و تکیه بر آفریننده کرد
ب) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت	قطره باران ما گوهر یکدانه شد
پ) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب	ز آینه دل تافت بر موسی زجیب

۱۵۵ سراینده همه ابیات زیر سعدی شیرازی است جز گزینه

الف) فخری که از وسیلت دونه‌متی رسد	گرانم و ننگ داری، از آن فخر، عار دار
ب) بخور تا توانی به بازوی خویش	که سعیت بود در ترازوی خویش
پ) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی	کاین زمانم گوشم بر چنگ است و دل در چنگ نیست

۱۵۶ کدامیک از ابیات زیر سروده «پروین اعتصامی» است؟

الف) به گوش ارغوان آهسته گفتم:	بهارت خوش که فکر دیگرانی
ب) چه در کار و چه در کار آزمودن	نباید جز به خود، محتاج بودن
پ) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی	کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

۱۵۷ حکایت «نیکی» (روبه بی‌دست و پای) در زمره کدامیک از انواع ادبی است؟

الف) غنایی ب) حماسی پ) تعلیمی

۱۵۸ ابیات زیر سروده کدامیک از شاعران معاصر است؟

«سحر دیدم درخت ارغوانی	کشیده سر به بام خسته‌جانی
به گوش ارغوان آهسته گفتم	بهارت خوش که فکر دیگرانی

الف) پروین اعتصامی

ب) فریدون مشیری

۱۵۹ کدامیک از آثار زیر «منثور» است و نوشته کیست؟

الف) مثنوی معنوی ب) فرهاد و شیرین پ) بهارستان

۱۶۰ بیت زیر سروده کدام شاعر است؟

«معیار دوستان دغل روز حاجت است
قرضی برای تجربه از دوستان طلب»

الف) صائب تبریزی

ب) اوحدی مراغه‌ای

پ) پروین اعتصامی

۱۶۱ بیت

«چه در کار و چه در کار آزمودن
نباید جز به خود، محتاج بودن»

با بیت زیر چه ارتباط معنایی دارد؟

«بخور تا توانی به بازوی خویش
که سعیت بُود در ترازوی خویش»

۱۶۲ سراینده هر یک از بیت‌های زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف

فخری که از وسیلت دون همتی رسد
گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار (اوحدی / صائب تبریزی)

ب

صورت بی صورت بی حدّ غیب
ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب (سعدی / مولوی)

پ

معیار دوستان دغل روز حاجت است
قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب (حافظ / صائب تبریزی)

ت

به گوش ارغوان آهسته گفتم
بهارت خوش که فکر دیگرانی (رشید یاسمی / فریدون مشیری)

۱۶۳ درباره ارتباط معنایی اشعار زیر توضیح دهید.

الف) سحر دیدم درخت ارغوانی
کشیده سر به بام خسته جانی

به گوش ارغوان آهسته گفتم:
بهارت خوش که فکر دیگرانی

ب) خدا را بر آن بنده بخشایش است
که خلق از وجودش در آسایش است

۱۶۴ «بوستان» سروده چه کسی و در چه قالبی است؟

درس دوم : قاضی بُست واژگان

۱۶۵ از متن درس «قاضی بُست»، با توجه به رابطه معنایی «تناسب»، واژه‌های مناسب انتخاب کنید و در جاهای خالی قرار دهید.

• خیل‌تاش، ،

• رُفت، ،

۱۶۶ در بیت زیر مفهوم واژه «راست» با توجه به کدام رابطه معنایی دریافت می‌شود؟

بر خاک بیفتاد و بغلتید چو ماهی
و آن گاه پر خویش گشاد از چپ و از راست

۱۶۷ با توجه به عبارت زیر از درس «قاضی بست» به سؤالات پاسخ دهید.

«امیر را یافتم آنجا بر زبر تخت نشسته ... گفت: بونصر را بگوی که امروز درستم و در این دو سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.»

الف) «یافتم» به چه معنایی است؟

ب) «علت» چه معنایی دارد؟

پ) «بار داده آید» به چه معنایی است؟

۱۶۸ در ابیات زیر معادل معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) حساب خود اینجا کن، آسوده دل شو
می‌فکن به روز جزا کار خود را

ب) کرد فرامش ره و رفتار خویش
ماند غرامت زده از کار خویش

۱۶۹ در عبارت زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) گفت زندگانی خواجہ عمید دراز باد علی‌ای‌حال من نیز فرزند این پدرم.
ب) اما چون به آنچه دارم و اندک است، قانعم وزر و وبال این، به چه کار آید؟

۱۷۰ در عبارات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) این صلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است.
ب) بونصر گفت: «لله درّ کما بزرگا که شما دو تنید» و بگریست و ایشان را بازگردانید.

۱۷۱ معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) و ببردم و راه یافتم و برسانیدم و امیر بخواند و گفت نیک آمد.
ب) یک کیسه به پسر، تا خویشتن را ضیعتکی حلال خرن.

۱۷۲ معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) یافتم خانه تاریک کرده و پرده‌های کتان آویخته و تر کرده و تاس‌های بزرگ و پُر یخ بر زَبر آن.
ب) این مرد بزرگ و دبیر کافی به نشاط قلم در نهاد تا نزدیک نماز پیشین ازین مهمات فارغ شده بود.

۱۷۳ واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) محبوب گشت از مردمان، مگر از اطبا و تنی چند از خدمتکاران مرد و زن.
ب) تا این عارضه اوفتاده بود بونصر نامه‌های رسیده را، به خطّ خویش، نکت بیرون می‌آورد.

۱۷۴ در عبارات زیر معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

الف) پای راست افگار شد، چنان که یک دوال پوست و گوشت بگسست.
ب) نامه نبشته آمد و به توقیع موگد گشت و مبشران برفتند.

۱۷۵ واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) و هنر آن بود که کشتی‌های دیگر به او نزدیک بودند.
ب) سلامت که به آن مقرون شد و مثال داد تا هزار هزار درم به غزنین دهند.
ج) و نیک کوفته شد و پای راست افگار شد.

۱۷۶ معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) زاغی از آن‌جا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید

۱۷۷ معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

الف) بونصر را بگوی که امروز دُرستم و در این دو سه روز، بار داده‌اید که علت و تب تمامی زایل شد.

۱۷۸ کدامیک از واژگان مقابل نمی‌تواند معادل معنایی واژه مشخص شده باشد؟ (اندرونی، اتاق مخصوص خدمتگزاران، اتاق تشریفات)

«بونصر نامه‌های رسیده را، به خطّ خویش، نکت بیرون می‌آورد و چیزی که در او گراهیتی نبود، می‌فرستاد فروود سرای.»

۱۷۹ کاربرد معنایی واژه «محبوب» را در عبارات‌های زیر بررسی کنید.

الف) محبوب گشت از مردمان، مگر از اطبا و
ب) مردی محبوب بود و دیده و دلش از گناه به دور.

۱۸۰ معادل معنایی عبارت‌های زیر را از متن درس «قاضی بُست» بیابید و بنویسید.

• فرمان داد

• سوار اسب شد

• اجازه حضور داده شود

۱۸۱ در ابیات زیر معادل معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) زاغی از آنجا که فراغی گزید بخت خود از باغ به راغی کشید
ب) دید یکی عرصه به دامان کوه عرضه ده مخزن پنهان کوه

۱۸۲ در ابیات زیر معادل معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید

الف) در پیاش القصه در آن مرغزار رفت بر این قاعده روزی سه چار
ب) هم حرکاتش متناسب به هم هم خطواتش متقارب به هم

۱۸۳ در عبارت زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) و آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است.

ب) بر من پوشیده است که آن غزوها بر طریق سنت مصطفی هست یا نه.

۱۸۴ هریک از کلمات ستون اول را به «مترادف» آن در ستون دوم وصل کنید.

الف) سرسری الف) شبته

ب) شک ب) فراخ‌تر

پ) گناه پ) وبال

ت) راحت‌تر ت) خیر خیر

۱۸۵ هریک از کلمات ستون اول را به مترادف آن در ستون دوم وصل کنید.

الف) آوازه‌خوان الف) تشویش

ب) زبون ب) ستن

پ) آشفتگی پ) بیچاره

ت) حیران ت) مطرب

ث) دریافت کردن ث) سرگشته

۱۸۶ در عبارت زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) امیر آنجا بر زبر تخت نشسته دیدم، پیراهن توزی، مخنقه در گردن عقدی همه کافور.

ب) و خیل‌تاشان و سوار را گسیل کرده پس رقعتی نبشت به امر و هرچه کرده بود باز نمود.

۱۸۷ در عبارت زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

«و از بسیاری نکت چیزی که در آن کراهیتی نبود می‌فرستاد فرود سرای، به دست من و من به آغاجی می‌دادم و خیر خیر جواب می‌آورد. تا آن گاه که نامه‌ها رسید از پسران علی تکین و من نکت آن نامه‌ها پیش بردم و بشارتی بود.»

۱۸۸ در عبارت زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) اما ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت و سوری و شادی‌ای به آن بسیاری تیره شد.

ب) و روز پنج‌شنبه امیر را تب گرفت؛ تب سوزان و سرسامی افتاد، چنان که بار نتوانست داد.

۱۸۹ در عبارات زیر واژه مشخص شده را معنا کنید.

الف) آن گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هزاهز و غریو خاست.

ب) دیگر روز امیر نامه‌ها فرمود، به غزنین و جمله مملکت بر این حادثه بزرگ و صعب که افتاد.

۱۹۰ در متن زیر واژه‌ها و عبارات مشخص شده را معنا کنید.

«و تا چاشتگاه به صید مشغول بودند و از هر دستی، مردم در کشتی‌های دیگر بودند و کس را خبر نه.»

۱۹۱ در عبارات زیر معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) با بازان و یوزان و حشم و ندیمان و مطربان و تا چاشتگاه به صید مشغول بودند.

ب) یکی بزرگ‌تر از جهت نشست او و جامه‌ها افگندند و شرایی بر وی کشیدند.

۱۹۲ در عبارات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) روز دوشنبه [امیر مسعود] شبگیر برنشست و به کران رود هیرمند رفت.

ب) از قضای آمده پس از نماز، امیر کشتی‌ها بخواست و ناوی‌ده بیاوردند.

۱۹۳ معنی لغات و ترکیبات مشخص شده را بنویسید.

الف) بانگ و هزاهز و غریو برخاست.

۱۹۴ معنی لغات و ترکیب‌های مشخص شده را بنویسید.

الف وزر و وبال این به چه کار آید ؟

۱۹۵ معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

الف بونصر را بگوی که امروز دُرستم و در این دو سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.

۱۹۶ با توجه به ابیات و عبارات زیر، معنی و مفهوم واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف

هم حرکاتش متناسب به هم هم خطواتش مقارب به هم

۱۹۷ معنی لغات و ترکیبات مشخص شده را بنویسید.

الف پس، به کران آب فرود آمدند و شرع ها زده بودند.

۱۹۸ معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف وزر و وبال این چه به کار آید؟

۱۹۹ معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف هم خطواتش مقارب به هم.

۲۰۰ معنی واژگان مشخص شده را با توجه به ابیات و عبارات زیر بنویسید.

الف

زاغی از آنجا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید

۲۰۱ با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

در پیاش القصّه در آن مرغزار رفت بر این قاعده روزی سه چار

الف مرجع ضمیر «ش» چیست؟

ب واژه «القصّه» را معنا کنید.

پ منظور از «این قاعده» چیست؟

۲۰۲ معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف برنشست و به زودی به کوشک آمد.

ب هزار هزار درم به غزنین و دو هزار هزار درم به دیگر ممالک به مستحقان دهند.

پ تب سوزان و سرسامی افتاد، چنان که بار نتوانست داد.

ت اندک مایه ضیعتی دارند.

۲۰۳ معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف بونصر را بگوی که امروز دُرستم در این دو سه روز، بار داده آید.

ب آعیان و وزیر به خدمت استقبال رفتند.

پ دل‌ها سخت متحیر شد تا حال چون شود.

ت علت و تب تمامی زایل شد.

ث از غزو هندوستان آورده است.

ج حلال بی شُبّهت باشد.

چ بوالحسن بولانی و پسرش بوبکر سخت تنگدست اند.

ح فراخ‌تر بتوانند زیست.

خ حق این نعمت تندرستی که باز یافتیم، لختی گزارده باشیم.

د شمار آن به قیامت مرا باید داد؟!

ذ نادره کبکی به جمال تمام

ر شاهد آن روضه فیروزه فام

ز وز قلم او رقمی می کشید

ژ رفت بر این قاعده روزی سه چار

س رهروی کبک نیاموخته

ش ماند غرامت زده از کار خویش

۲۰۴ با توجه به معانی داده شده یک واژه مناسب از متن درس «قاضی بست» بیابید.

الف اندرونی، اتاقی در خانه که پشت اتاقی دیگر واقع شده باشد، مخصوص زن و فرزند:

ب گیاهی که از الیاف ساقه‌اش در نساجی استفاده می‌کنند:

پ منسوب به شهر توز، پارچه‌های نازک کتانی که نخستین بار در شهر توز بافته‌اند:

ت ماده‌ای خوش‌بو و سفیدرنگ که از بعضی گیاهان و درختی معروف به همین نام به دست می‌آید:

۲۰۵ معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف نامه‌ها را می‌فرستاد فرود سرای به دست من و من به آغاجی خادم می‌دادم و خیر خیر جواب می‌آوردم.

۲۰۶ در عبارت زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

«نزدیک آغاجی بردم و راه یافتم، تا سعادت دیدار همایون خداوند، دیگر باره یافتم و آن نامه را بخواند و دوات خواست و توقیع کرد،»

۲۰۷ در عبارت زیر شکل درست واژگان املائی را انتخاب کنید.

الف) اما ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت و (ثور - سور)ی و شادی‌ای به آن بسیاری تیره شد.

ب) چیزی که در او کراهیتی نبود، می‌فرستاد فرود سرای به دست من دیگر روز (رقعتی - رغعتی) نبشت به امیر و حال باز نمود. امیر (مهبوب - محبوب) گشت از مردمان.

۲۰۸ در عبارت زیر شکل درست واژگان املائی را انتخاب کنید.

الف) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه (خاست - خواست) شد بانگ و هزاهز و (قربو - غریو) (خواست - خاست)، امیر برخاست.

ب) پیراهن توزی، (مخنغه - مخنقه) در گردن، عقدی همه کافور.

۲۰۹ در عبارات زیر شکل درست واژه املائی را انتخاب کنید.

الف) از (غزا - قضا)ی آمده، پس از نماز، امیر کشتی‌ها (بخاست - بخواست).

ب) امیر نامه‌ها فرمود به غزنین و جمله مملکت بر این حادثه بزرگ و (صعب - ثعب) که افتاد و سلامت که به آن (مغرون - مقرون) شد.

۲۱۰ در گروه کلمات زیر، غلط‌های املائی را بیابید و درست آنها را بنویسید.

«آقاجی خادم - حلال و حرام - اندک مایه ضیعت - بوالعلائی طیب - احوال و عادات - صدقه و خیرات - حق‌گذار و عادل - اضطراب و تشویش - رحمت ایزد - مغرون و بعید - محبوب و ناپیدا»

۲۱۱ غلط‌های املائی عبارت زیر را مشخص کرده و درست آنها را بنویسید.

«روز دوشنبه، [امیر مسعود] شبگیر، برنشست و به گران رود حیرمند رفت با بازان و یوزان و هشم و ندیمان و مطربان و تا چاشتگا به صید مشغول بودند؛ پس، به گران آب فرود آمدند و خیمه‌ها و شراع‌ها زده بودند. از قضای آمده، پس از نماز، امیر کشتی‌ها بخاست و ناوی ده بیاوردند.»

۲۱۲ با توجه به معنی، املائی کدام گزینه نادرست است؟

۱) توزی: پارچه نازک ۲) آغاجی: پرده‌دار ۳) قزو: جنگ ۴) عمید: بزرگ

۲۱۳ در کدام گزینه نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.

۱) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خاست شد. بانگ و هزاهز و غریو خاست.

۲) سوری و شادی‌ای به آن بسیاری، تیره شد.

۳) چیزی که در او کراهیتی نبود می‌فرستاد فرود سرای، به دست من.

۴) آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است.

دستور

۲۱۴ در عبارت زیر زمان افعال مشخص شده را بنویسید.

«واجب کردی که در مدت عمر پیروی کردمی پس چه جای آن است که سال‌ها دیده‌ام و من هم از آن حساب و پرسش قیامت بترسم که وی می‌ترسد.»

۲۱۵ در بیت زیر فعل معلوم را بیابید و آن را مجهول کنید.

کرد فراموش ره و رفتار خویش ماند غرامت‌زده از کار خویش

۲۱۶ جملات معلوم زیر را به صورت مجهول درآورید.

الف) خیمه‌ها و شراع‌ها زده بودند.

ب) امیر کشتی‌ها بخواست.

ج) جامه‌ها افگندند.

۲۱۷ در هریک از عبارات زیر، جایگاه دستوری (نوع وابسته) واژه «دیگر» را مشخص کنید.

الف) من مترصد فرصت بودم چون او بیرون رفتی چندان که بایستی بخوردمی و باقی سوی موشان دیگر انداختمی.

ب) دیگر روز آن کنجد را بخته کرد (پوست کند) و در آفتاب نهاد و شوی را گفت: مرغان را می‌ران.

۲۱۸ کدام یک از گزینه‌های زیر، شکل معلوم فعل جمله «این ملک مسکونی تا ماه آینده فروخته می‌شود، است؟

الف) خواهد فروخت ب) می‌فروخت پ) بفروشد ت) می‌فروشد

۲۱۹ شکل مجهول عبارات زیر را بنویسید.

الف) به هیچ حال این عهده قبول نکنم.

ب) ایشان را باز گردانید.

ج) زر را باز فرستاد

۲۲۰ فعل‌های عبارت زیر را به صورت مجهول درآورید.

«من به آغاجی خادم می‌دادم و خیرخیر جواب می‌آوردم و امیر را هیچ ندیدم.»

۲۲۱ در کدام عبارت، کاربرد فعل «مجهول» مشهود است؟

الف) چون نامه گسیل کرده شود، تو باز آی که پیغامی ست سوی بونصر در بابی، تا داده آید.

ب) تا نزدیک نماز پیشین، از این مهمات فارغ شده بود و خیل‌تاشان و سوار را گسیل کرده.

۲۲۲ معنای فعل «شد» را در بیت زیر بنویسید؟

«وجه خدا گر شود منظر نظر زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی»

۲۲۳ با توجه به عبارت «و دیگر روز امیر را تب گرفت. تب سوزان و سرسامی افتاد چنان که بار نتوانست داد.» به سؤالات پاسخ دهید.

الف) در گروه اسمی مشخص شده، هسته را بیابید.

ب) نوع وابسته را در گروه اسمی مشخص شده بنویسید.

۲۲۴ قیدها را در عبارات‌های زیر نشان دهید.

الف) امیر را بگرفتند و به کشتی دیگر رسانیدند و نیک کوفته شد.

ب) ناگاه، آن دیدند که چون آب نیرو کرده بود و کشتی پُر شده، نشستند و دریدن گرفت.

پ) این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد.

ت) به هیچ حال، این عهده قبول نکنم.

۲۲۵ در عبارت زیر چند فعل مجهول وجود دارد؟

امیر گفت: در این دو سه روز، بار داده آید. نامه‌ها نبشته آمد. چون نامه‌ها گسیل کرده شد، تو باز آی که پیغامی ست سوی بونصر تا داده آید.

۲۲۶ از متن درس قاضی بست، نمونه‌هایی از فعل مجهول بیابید و معادل امروزی آنها را بنویسید.

۲۲۷ نوع وابسته را در گروه‌های اسمی مشخص شده بنویسید.

الف) آن آرز مرا باز برانگیخت و بار دیگر بیرون آمدم.

ب) رای گفت برهنم را، دیگر کاینات خلاف آدمی‌زادند، بی رأی و تدبیر.

۲۲۸ در عبارت زیر نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«دیگر روز رقتی نبشت به امیر و حال باز نمود و زر باز فرستاد».

۲۲۹ در بیت زیر فعل‌های «معلوم» را بیابید و آنها را مجهول کنید.

بر قدم او قدمی می‌کشید وز قلم او رقمی می‌کشید

۲۳۰ در مصراع اول بیت زیر فعل معلوم را بیابید و آن را «مجهول» کنید.

زاغ چو دید آن ره و رفتار را و آن روش و جنبش هموار را

۲۳۱ در مصراع اول بیت زیر، فعل معلوم را بیابید و آن را مجهول کنید.

دید یکی عرصه به دامان کوه عرضه ده مخزن پنهان کوه

۲۳۲ در بیت زیر افعال معلوم را بیابید و به صورت مجهول درآورید.

زاغی از آنجا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید

۲۳۳ شکل مجهول‌شده عبارات زیر را بنویسید.

الف) پس از نماز کس فرستاد.

ب) قاضی بوالحسن و پسرش را بخواند.

ج) آن، قاضی همی نستاند.

۲۳۴ شکل مجهول‌شده عبارات زیر را بنویسید.

الف) زرهاست که پدر ما از غزو هندوستان آورده است.

ب) ما حق نعمت تندرستی لختی گزارده باشیم.

۲۳۵ در عبارات زیر فعل‌های «مجهول» را بیابید و آن را به فعل «معلوم» تبدیل کنید.

الف) چون نامه‌ها گسیل کرده شود تو باز آی.

ب) پیغامی است سوی بونصر در بابی تا داده آید.

۲۳۶ هریک از عبارات «معلوم» زیر را به صورت «مجهول» درآورید.

الف) آغاجی نامه را بستد و پیش بُرد...

ب) ای بوالفضل تو را امیر می‌بخواند.

۲۳۷ جملات معلوم زیر را به صورت مجهول درآورید.

الف) بونصر نامه‌های رسیده را به خط خویش، نکت بیرون می‌آورد.

ب) و از بسیاری نکت، چیزی که در او کراهیتی نبود می‌فرستاد فرود سرای.

۲۳۸ با توجه به عبارت «دو هزار هزار درم به دیگر ممالک به مستحقان و درویشان دهند شکر این را، و نبشته آمد و به توقیع مؤکد گشت و مبشران

برفتند» به سوال پاسخ دهید.

الف) یک فعل معلوم بیابید و آن را به صورت مجهول درآورید.

ب) یک فعل مجهول بیابید و آن را معلوم کنید.

۲۳۹ در جملات زیر فعل‌های معلوم را به صورت مجهول درآورید.

الف) امیر را بگرفتند و بر بودند و به کشتی دیگر رسانیدند.

ب) امیر به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید.

۲۴۰ کاربرد متفاوت «را» را در جمله‌های زیر بررسی کنید.

الف) بونصر را بگوی که امروز دُرستم.

ب) در هر سفری ما را از این بیارند تا صدقه‌ای که خواهیم کرد حلال بی‌شبهت باشد.

پ) چون پادشاه را سلامت یافتند، خروش و دعا بود از لشکری و رعیت.

۲۴۱ با توجه به عبارت به سوالات پاسخ دهید.

«من کیسه بستدم و به نزدیک بونصر آوردم. دعا کرد و گفت خداوند این سخت نیکو کرد».

الف) مرجع ضمیر «من» چه کسی است؟

ب منظور از «خداوند» کیست؟

پ معنای واژه «سخت» را بنویسید.

۲۴۲ با توجه به متن زیر به سوالات پاسخ دهید.

«نزدیک آغاجی بردم و راه یافتم، تا سعادت دیدار همایون خداوند دگرباره یافتم و آن نامه را بخواند و دوات خواست و توقیع کرد و گفت: «چون نامه‌ها گسیل کرده شود، تو باز آی که پیغامی است سوی بونصر در بابی تا داده آید.»

الف آیا بیهقی موفق به دیدار با امیر مسعود شد؟

ب یک فعل مجهول بیابید.

پ خدمتکار مخصوص امیر مسعود کیست؟

۲۴۳ نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف بونصر نامه‌های رسیده را، به خط خویش، نکت بیرون می‌آورد.

ب ای بوالفضل، تو را امیر می‌خواند.

پ پس از نماز، امیر کشتی‌ها بخواست و ناوی ده بیاوردند.

ت بانگ و هراز و غریو خاست.

ث و نیک کوفته شد و پای راست افگار شد.

ج امیر به زودی به کوشک آمد که خبری سخت ناخوش در لشکرگاه افتاده بود.

چ چون پادشاه را سلامت یافتند، خروش و دعا بود از لشکری و رعیب.

۲۴۴ جملات زیر را به مجهول تبدیل کنید.

الف ما کتاب‌های کتابخانه را می‌خواندیم.

ب بازیکنان فوتبال لباس‌هایشان را پوشیدند.

پ آب خواهد جوشید.

۲۴۵ جملات مجهول زیر را به معلوم تبدیل کنید.

الف دیروز تمام کتاب‌ها داشتند خوانده می‌شدند.

ب پول بادآورده خواسته نخواهد شد.

۲۴۶ با توجه به متن به سوالات پاسخ دهید.

گفت: «بونصر را بگو که امروز دُرستم و در این دو سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد». من بازگشتم و این چه رفت با بوسهل بگفتم. سخت شاد شد و»

الف معادل امروزی فعل مجهول موجود در متن را بنویسید.

ب نقش دستوری واژه «سخت» چیست؟

پ حرف نشانه «را» بعد از «بونصر» بیانگر چه نقش دستوری هست؟

۲۴۷ جدول زیر را کامل کنید.

مصدر	ماضی نقلی	ماضی نقلی مجهول	مضارع اخباری	مضارع اخباری مجهول
سوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	دوم شخص جمع	دوم شخص جمع
گرفتن				
فرستادن				

۲۴۸ با توجه به بیت زیر، نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید.

«باز کشید از روش خویش پای در پی او کرد به تقلید جای»

۲۴۹ در عبارت زیر، دو پیوند وابسته ساز بیابید.

«و می‌شنویم که قاضی بُست بوالحسن بولانی و پسرش بوبکر سخت تنگ‌دست‌اند. یک کیسه به پدر داد و یک کیسه به پسر، تا خویشان را ضیعتی حلال خرند.»

آرایه‌های ادبی

۲۵۰ در عبارت‌های زیر، «مجاز»ها را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

الف) به کران آب فرود آمدند و خیمه‌ها و شراع‌ها زده بودند.
ب) زری که سلطان محمود به غزو از بتخانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد و بتان شکسته و پاره کرده.

۲۵۱ در هر یک از موارد زیر «کنایه» را بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

الف) به نشاط، قلم در نهاد.

ب) شمار آن به قیامت مرا باید داد.

پ) رخت خود از باغ به راغی کشید

ت) باز کشید از روش خویش پای

ث) بر قدم او قدمی می‌کشید

ج) عاقبت از خامی خود سوخته

۲۵۲ کنایه‌ها را در شعرهای زیر بیابید و مفهوم هریک را بنویسید.

الف. برداشته دل ز کار او بخت در ماند پدر به کار او سخت

ب. زاغی از آنجا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید

۲۵۳ در بیت زیر، کدام واژه ایهام دارد؟ معنای مختلف آن را بنویسید.

نادره کبکی به جمال تمام شاهد آن روضه فیروزه فام

۲۵۴ در هر یک از ابیات زیر جناس و نوع آن را نشان دهید.

الف

باز کشید از روش خویش پای در پی او کرد به تقلید جای

ب

بر قدم او قدمی می‌کشید وز قلم او رقمی می‌کشید

۲۵۵ در بیت «بر قدم او قدمی می‌کشید / وز قلم او رقمی می‌کشید» کدام یک از آرایه‌های زیر وجود ندارد؟

الف) کنایه ب) مجاز پ) تضاد

۲۵۶ آرایه‌های «جناس ناهمسان و کنایه» را در بیت زیر بیابید.

باز کشید از روش خویش پای در پی او کرد به تقلید جای

۲۵۷ در بیت «عاقبت از خامی خود سوخته / رهروی کبک نیاموخته» کدام یک از آرایه‌های زیر وجود ندارد؟

الف) کنایه ب) تضاد پ) تشخیص

۲۵۸ در بیت زیر آرایه‌های «کنایه و جناس ناهمسان» را بیابید.

باز کشید از روش خویش پای در پی او کرد به تقلید جای

۲۵۹ در بیت «زاغی از آنجا که فراغی گزید / رخت خود از باغ به راغی کشید» کدام آرایه ادبی وجود ندارد؟

الف) جناس تام ب) جناس ناقص پ) کنایه ت) واج آرایه

۲۶۰ در هر یک از عبارات و ابیات زیر آرایه‌ای که مقابل آن آمده را در آن نشان دهید.

الف) پس به کران آب فرود آمدند و خیمه‌ها و شراع‌ها زده بودند.

ب

زاغی از آنجا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید (کنایه)

هم حرکاتش متناسب به هم

هم خطواتش متقارب به هم (واج آرایي)

قرابت معنایی

۲۶۱ دربارهٔ ارتباط مفهومی موارد «الف» و «ب» توضیح دهید.

الف) این صلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد.
ب) حساب خود اینجا کن آسوده دل شو میفکن به روز جزا کار خود را

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۲۶۲ ابیات و عبارات زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.

الف) ماند غرامت زده از کار خویش

۲۶۳ در عبارت زیر دلیل پرهیز از تنعم و عدم پذیرش پاداش چیست؟
«آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت، حاجتمند نیستم».

۲۶۴ عبارت زیر را به نثر روان برگردانید.

الف) امیر را تب گرفت، تب سوزان و سرسامی افتاد، چنان که بار نتوانست داد.
ب) بونصر گفت: «لله در کما؛ بزرگا که شما دو تنید».

۲۶۵ ابیات و عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف) امیر نیک کوفته شد و پای راست افگار شد و هیچ نمانده بود از غرقه شدن.

۲۶۶ معنی روان عبارت را بنویسید.

الف) تا خویشتن را ضیعتکی حلال خرنند و فراخ تر بتوانند زیست.

۲۶۷ با توجه به مفهوم قسمت‌های مشخص شده در عبارت «قاضی بسیار دعا کرد و گفت: این صلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد»
دو ویژگی رفتاری و اخلاقی قاضی بست را بنویسید.

۲۶۸ با توجه به قلمرو فکری شعر «زاغ و کبک»، دربارهٔ ریشه‌های پیامدهای تقلید نابجا و کورکورانه، گفت و گو کنید.

۲۶۹ سرودهٔ «زاغ و کبک» را از دید لحن و آهنگ خوانش، بررسی نمایید.

۲۷۰ دربارهٔ مناسبت مفهومی بیت زیر و متن درس «قاضی بُست» توضیح دهید.

حساب خود اینجا کن، آسوده دل شو میفکن به روز جزا کار خود را «صائب تبریزی»

۲۷۱ گویندهٔ عبارت زیر، از کدام فضیلت‌های اخلاقی برخوردار است؟

«آنچه دارم از حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم».

۲۷۲ با توجه به جملهٔ زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید:

«این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد».

الف) مقصود از «این مرد» چه کسی است؟

ب) «دبیر کافی» به چه معناست؟

۲۷۳ معنی و مفهوم عبارت زیر را به نثر روان بنویسید.

«امیر از آن جهان آمده به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید».

۲۷۴ دو نمونه از ویژگی‌های نثر متن درس «قاضی بُست» را بیابید.

۲۷۵ در درس قاضی بست، هدف از «تاریک کردن خانه» و «آویختن پرده‌های کتان» چه بود؟

۲۷۶ در عبارت زیر علت شگفتی بونصر مشکان چیست؟

«بونصر گفت ای سبحان الله! زری که سلطان محمود به غزو از بت‌خانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد و بتان شکسته و پاره کرده و آن را امیرالمومنین می‌روا دارد ستدن، آن قاضی همی نستانند؟!»

۲۷۷ در عبارت زیر کدام کلمه استعاره از «مال بی ارزش دنیایی» است؟

«من هم از توقف و پرسش قیامت بترسم و آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا، حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.»

۲۷۸ بیت «باز کشید از روش خویش پای / در پی او کرد به تقلید جای» با کدام مقوله فرهنگی عصر ما ارتباط دارد؟

۲۷۹ با خواندن درس «قاضی بست» بگویید دلیل اصلی خودداری قاضی بست از پذیرش هدایای امیر مسعود چه بود؟

۲۸۰ براساس درس «قاضی بست»، استدلال پسر قاضی بست برای نپذیرفتن هدایا چه بود؟

۲۸۱ پیام‌های اصلی درس «قاضی بست» چیست؟

۲۸۲ در عبارت «زرهاست که پدر ما از غزو هندوستان آورده است و بتان زرّین شکسته و بگداخته و پاره کرده و حلال تر مال هاست.»:

الف) نویسنده بر کدام ویژگی طلاها تأکید کرده است؟

ب) منظور از «پاره کرده» چیست؟

۲۸۳ در عبارت «این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط قلم در نهاد، تا نزدیک نماز پیشین، از این مهمّات فارغ شده بود.»

الف) عبارت «به نشاط قلم در نهاد» یعنی چه؟

ب) معادل امروزی «نماز پیشین» چیست؟

۲۸۴ با توجه به عبارت به سوالات مطرح شده پاسخ دهید.

«این صلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است. حساب این نتوانم داد و نگویم که مرا سخت در بایست نیست.»

الف) مفهوم عبارت «این صلت فخر است» چیست؟

ب) با توجه به عبارت فوق چرا قاضی بست از پذیرفتن زر امتناع می‌کند؟

پ) عبارت «مرا به کار نیست» یعنی چه؟

۲۸۵ منظور از «شمار آن به قیامت مرا باید داد.» چیست؟

۲۸۶ در عبارت «امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و تر و تباه شده بود.»

الف) «فرود آمدن» یعنی چه؟

ب) وضعیّت امیر چگونه بود؟

۲۸۷ در عبارت «من این نپذیرم و در عهده این نشوم.» جمله «در عهده این نشوم» چه مفهومی دارد؟

۲۸۸ با توجه به عبارت «امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید.» به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

الف) «از آن جهان آمده» به چه معنایی است؟

ب) معنی «جامه بگردانید» را بنویسید.

۲۸۹ با توجه به عبارت «امیر نامه‌ها فرمود به غزنین و مثال داد تا هزار هزار درم به مستحقان و درویشان دهند.» به سوالات پاسخ دهید.

الف) «مثال داد» به چه معنایی است؟

ب) معادل امروزی «هزار هزار» را بنویسید.

۲۹۰ منظور از قسمت مشخص شده در متن زیر چیست؟

«قیامت سخت نزدیک است حساب این نتوان داد و نگویم که مرا سخت در بایست نیست.»

۲۹۱ در عبارت زیر منظور از «نماز پیشین» چیست؟

«و این مرد بزرگ و دبیر کافی به نشاط قلم در نهاد و تا نزدیک نماز پیشین از مهمات فارغ شده بود.»

۲۹۲ راوی و زاویه دید داستان در حکایت «زاغ و کبک» چیست؟

الف) اول شخص

ب) سوم شخص (دانای کل)

۲۹۳ مفهوم کلی حکایت «زاغ و کبک» به سرزنش چه موضوعی می‌پردازد؟

۲۹۴ در عبارت زیر قاضی بست چه دلیلی را برای نپذیرفتن طلاها مطرح می‌کند؟

«چون به آنچه دارم و اندک است قانعم وزر و وبال این چه به کار آید؟»

۲۹۵) با توجه به عبارت زیر دلیل پرهیز از قبول کردن طلا و عدم پذیرش پاداش چیست؟
«بر من پوشیده است که آن غزوها بر طریق سنت مصطفی هست یا نه. من این نپذیرم و در عهده این نشوم.»

۲۹۶) مفهوم کلی عبارت زیر چیست؟
«این صلت فخر است پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست.»

الف) پذیرفتن طلاها و نیازمندی
ب) مناعت طبع

۲۹۷) با توجه به عبارت به سوالات پاسخ دهید.
«گفت: زندگانی خداوند دراز باد؛ حال خلیفه دیگر است که او خداوند ولایت است و خواجه با امیر محمود به غزوها بوده است و من نبوده‌ام و بر من پوشیده است که آن غزوها بر طریق سنت مصطفی هست یا نه.»

الف) منظور از واژه‌های «خداوند» چه کسانی هستند؟
ب) منظور از «خواجه» چه کسی است؟
پ) دلیل قاضی بست برای نپذیرفتن طلای اهدایی امیرمسعود چیست؟

۲۹۸) با توجه به متن به سوالات زیر پاسخ دهید.
«بونصر گفت: ای سبحان‌الله! زری که سلطان محمود به غزو از بتخانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد و بتان شکسته و پاره کرده و آن را امیرالمؤمنین می روا دارد ستدن آن، قاضی همی نستانند؟!»

الف) عبارت «سبحان‌الله» در چه مواردی به کار می‌رود؟
ب) منظور از «امیرالمؤمنین» چه کسی است؟
پ) عبارت «می روا دارد ستدن» را معنا کنید.

۲۹۹) با توجه به عبارت زیر به سوالات پاسخ دهید:
«گفت: زندگانی خواجه عمید دراز باد علی‌ای حال من نیز فرزند این پدرم که این سخن گفت و علم از وی آموخته‌ام و اگر وی را یک روز دیده بودمی واجب کردی که در مدت عمر پیروی او کردمی و من هم از آن حساب و پرسش قیامت بترسم که وی می‌ترسد.»

الف) نهاد فعل «گفت» در اول عبارت کیست؟
ب) گوینده این عبارت چه دلایلی را برای نپذیرفتن طلاهای اهدایی سلطان مسعود ذکر می‌کند؟
ج) منظور از «خواجه عمید» چه کسی است؟

۳۰۰) با توجه به عبارت زیر به سوالات مطرح‌شده پاسخ دهید؟
«بونصر گفت: «لله درگما؛ بزرگا که شما دو تنید» و بگریست و ایشان را بازگردانید و باقی روز اندیشه‌مند بود و از این یاد می‌کرد.»

الف) مرجع «ایشان» چه کسانی هستند؟
ب) چرا بونصر مشکان «اندیشه‌مند» بود؟

۳۰۱) بیت را به نثر روان برگردانید.
حساب خود اینجا کن، آسوده دل شو
می‌فکن به روز جزا کار خود را

۳۰۲) ابیات زیر را معنا کنید.
الف) نادره کبکی به جمال تمام
شاهد آن روضه فیروزه‌فام

ب) باز کشید از روش خویش پای
در پی او کرد به تقلید جای

۳۰۳) بیت را به نثر روان برگردانید.
هم حرکاتش متناسب به هم
هم خطواتش متقارب به هم

۳۰۴) بیت زیر را معنا کنید.
دید یکی عرصه به دامان کوه
عرضه ده مخزن پنهان کوه

۳۰۵) بیت زیر را معنا کنید.
زاغی از آنجا که فراغی گزید
رخت خود از باغ به راغی کشید

۳۰۶ عبارات زیر را معنا کنید.

الف) بونصر را بگوی که امروز دُرستم و در این دو سه روز بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.
ب) اما ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت، و سوری و شادی‌ای به آن بسیاری تیره شد.

۳۰۷ عبارات زیر را معنا کنید.

الف) تا این عارضه اوفتاده بود، بونصر نُکت نامه‌های رسیده را، به خط خویش بیرون می‌آورد.
ب) این مرد بزرگ به نشاط قلم در نهاد و تا نزدیک نماز پیشین این مَهْمات فارغ شده بود.

۳۰۸ عبارات زیر را معنا کنید.

الف) این صلت فخر است پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست.
ب) این کیسه‌ها به پدر و پسر باید داد تا خویشتن را ضیعتکی حلال و فراخ‌تر بتوانند زیست.

۳۰۹ عبارت زیر را به فارسی روان برگردانید.

الف) آنچه دارم از اندک‌مایه حطام دنیا حلال است، من این زر نپذیرم و در عهده این نشوم.
ب) امیر نیک کوفته شد و پای راست افگار شد و هیچ نمانده بود از غرقه شدن.

۳۱۰ عبارت زیر را معنا کنید.

الف) امیرمسعود شبگیر برنشست.

ب) نگویم که مرا سخت دربايست نیست اما چون قانعم، وزر و وبال این به چه کار آید؟

۳۱۱ عبارات زیر را معنا کنید.

الف) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هزاهز و غریو خاست.

ب) نبشته آمد و به توقیع مؤکد گشت و مبشّران برفتند.

۳۱۲ عبارت زیر را به نثر روان برگردانید.

الف) ناگاه آن دیدند که چون آب نیرو کرده بود و کشتی پرشده، نشستن و دریدن گرفت.

ب) مثال داد تا هزار هزار درم به غزنین و دو هزار هزار درم به دیگر ممالک به مستحقان و درویشان دهند.

۳۱۳ عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف) امیرمسعود به کران رود هیرمند رفت با بازان، یوزان، حشم و ندیمان و مطربان

ب) ناوی ده بیاورند یکی بزرگ‌تر از جهت نشست او، جامه‌ها افگندند.

۳۱۴ مفهوم مصراع اول بیت «عاقبت از خامی خود سوخته / رهروی کبک نیاموخته» چیست؟

۳۱۵ در بیت زیر «خامی» و «سوخته» هر کدام برای بیان چه مفهومی به کار رفته‌اند؟

«عاقبت از خامی خود سوخته» رهروی کبک نیاموخته»

۳۱۶ مفهوم کنایی بیت زیر چیست؟

بر قدم او قدمی می‌کشید وز قلم او رقمی می‌کشید

۳۱۷ ایات و عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف) باز کشید از روش خویش پای

ب) این صلت فخر است، پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست.

۳۱۸ ایات و عبارات زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.

الف)

هم حرکاتش متناسب به هم هم خطواتش متقارب به هم

۳۱۹ عبارت زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.

الف) آب نیرو کرده بود و کشتی پر شده، نشستن و دریدن گرفت.

۳۲۰ عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف) این کیسه‌ها به پدر و پسر باید داد تا خویشتن را ضیعتکی حلال خرد و فراخ‌تر بتوانند زیست.

۳۲۱ ایات و عبارات زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.

الف امیر نیک کوفته شد و پای راست افکار شد و هیچ نمانده بود از غرقه شدن.

۳۲۲ اییات و عبارات زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.

الف امیر مسعود شبگیر برنشست.

۳۲۳ اییات و عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف

هم حرکاتش متناسب به هم هم حُطواتش متقارب به هم

۳۲۴ اییات و عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف آن چه دارم از اندک مایه حُطام دنیا حلال است، من این زر نپذیرم و در عهده ی این نشوم.

۳۲۵ اییات و عبارات زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.

الف

کرد فرامش ره و رفتار خویش ماند غرامت زده از کار خویش

ب نبشته آمد و به توقیع مؤکد گشت و مبشران برفتند.

۳۲۶ اییات و عبارات زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.

الف امیر (مسعود) شبگیر، برنشست

۳۲۷ معنی اییات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.

الف روز دوشنبه، امیر [مسعود] شبگیر، برنشست و به گران رود هیرمند رفت.

۳۲۸ با توجه به عبارت به سوالات پاسخ دهید.

«بسیار دعا کرد و گفت: این صلت فخر است پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است حساب این نتوانم داد و نگویم که مرا سخت دربايست نیست اما چون به آنچه دارم و اندک است، قانعم وزر و وبال این چه به کار آید؟»

الف جمله «مرا به کار نیست» را معنا کنید.

ب واژه های «وزر» و «وبال» را معنا کنید.

پ عبارت «نگویم که مرا سخت دربايست نیست» را معنا کنید.

ت قاضی بست چه دلایلی را برای رد نمودن طلاهای اهدایی امیر مسعود مطرح می کند؟

۳۲۹ عبارات زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف تا چاشتگاه به صید مشغول بودند؛ پس، به گران آب فرود آمدند.

ب از قَضای آمده، پس از نماز، امیر کشتی ها بخواست و ناوی ده بیاوردند.

پ جامه ها افگندند و شرایی بر وی کشیدند.

ت بار نتوانست داد و محبوب گشت از مردمان، مگر از اطبا.

ث چیزی که در او کراهیتی نبود می فرستاد فرود سرای، به دست من و من به آغاجی خادم می دادم و خیرخیر جواب می آوردم.

ج امیر را یافتم آنجا بر زبر تخت نشسته، پیراهن توزی، مختقه در گردن، عقدی همه کافور و بوالعلا طیب آنجا زیر تخت نشسته دیدم.

چ رُقعتی نبشت به امیر و هر چه کرده بود باز نمود و مرا داد. امیر بخواند و گفت: «نیک آمد».

ح در هر کیسه، هزار مثقال زر پاره است. بونصر را بگوی که زرهاست که پدر ما از غزو هندوستان آورده است.

خ بر من پوشیده است که آن غزوها بر طریق سنت مصطفی هست یا نه. من این نپذیرم و در عهده آن نشوم.

د مرا چه افتاده است که زر کسی دیگر برد و شمار آن به قیامت مرا باید داد؟!

ذ زندگانی خواجه عمید دراز باد! علی ای حال، من نیز فرزند این پدرم و آنچه دارم از اندک مایه حُطام دنیا حلال است و کفایت است.

۳۳۰ معنای ساده و روان بیت و عبارت های زیر را بنویسید.

الف

ب دیگر روز، رُعتی نبشت به امیر و حال باز نمود و زَر باز فرستاد.

پ هنر آن بود که کشتی‌های دیگر به او نزدیک بودند.

ت از بسیاری نُکت، چیزی که در او کراهیتی نبود می‌فرستاد فرودِ سرای.

ث روز دوشنبه، [امیر مسعود] شبگیر برنشست و به کران رود هیرمند رفت.

۳۳۱ الف معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف «خداوند این سخت نیکو کرد و شنوده‌ام که ابوالحسن و پسرش وقت باشد که به ده درم درمانده‌اند»

۳۳۲ الف مفهوم قسمت مشخص‌شده در عبارت زیر را بنویسید؟

الف «امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگرداند.»

۳۳۳ الف گوینده هر عبارت از کدام ویژگی اخلاقی برخوردار است؟

الف آنچه دارم از اندک مایه حُطام دنیا کفایت است.

۳۳۴ الف دو ویژگی برجسته شخصیت قاضی را در درس «قاضی بُست» بنویسید.

۳۳۵ الف با توجه به عبارت:

«من کیسه‌ها بستم و به نزدیک بونصر آوردم. دعا کرد و گفت: خداوند این سخت نیکو کرد.»

الف. گوینده متن بالا کیست؟

ب. منظور از «خداوند» چه کسی است؟

۳۳۶ الف یکی از ویژگی‌های نثر زیر را بنویسید.

«بردم و راه یافتم و برسانیدم و امیر بخواند و گفت: «نیک آمد» و آغاجی خادم را گفت: «کیسه‌ها بیاور.»

تاریخ ادبیات

۳۳۷ الف مثنوی «زاغ و کبک» از جامی تقلید کورکورانه و خودباختگی را در قالبی نمادین به تصویر می‌کشد. این مثنوی برگرفته از کتاب وی است.

۳۳۸ الف با توجه به درس «قاضی بست» به سوالات زیر پاسخ دهید.

الف) نام پدیدآورنده «تاریخ بیهقی» چیست؟

ب) این کتاب بیشتر به حوادث تاریخی دوران کدام پادشاه می‌پردازد؟

۳۳۹ الف بیت زیر سروده کدام شاعر پارسی‌گو است؟

حساب خود اینجا کن آسوده‌دل شو میفکن به روز جزا کار خود را

۳۴۰ الف با توجه به درس «زاغ و کبک» به سوالات زیر پاسخ دهید.

الف) کتاب تحفة الاحرار از کیست؟

ب) این اثر منظوم است یا منثور؟

۳۴۱ الف پدید آورندگان آثار زیر چه کسانی هستند؟

الف تاریخ بیهقی

ب تحفة الاحرار

شعر خوانی: زاغ و کبک

۳۴۲ الف مصراع‌ی از شعر «زاغ و کبک» را بنویسید که در آن واژه «قاعده» وجود دارد؟

۳۴۳ الف ابیات زیر را کامل کنید.

الف

دید یکی عرصه به دامن کوه

ب

شاهد آن روضه فیروزه فام

پ

هم خطواتش مُتقارب به هم

ت

زاغ چو دید آن ره و رفتار را

ث

باز کشید از روش خویش پای

ج

وز قلم او رقمی می کشید

۳۴۴ مصراع‌های جافتاده بیت‌های زیر را کامل کنید.

الف

بر قدم او قدمی می کشید

ب

ماند غرامت زده از کار خویش

پ

زاغی از آنجا که فراغی گزید

ت

و آن روش و جنبش هموار را

ث

نادره کبکی به جمال تمام

۳۴۵ با واژه‌های هر گروه یک مصراع بسازید سپس مصراع‌های دیگر آنها را کامل کنید.

الف

عرضه ده، پنهان، مخزن، کوه

ب

متناسب، به، حرکاتش، هم، هم

پ

در، پی، جای، به، او، تقلید، کرد

ت

رفت، سه چار، روزی، این، بر، قاعده

۳۴۶ ایات زیر را کامل کنید.

الف

باز کشید از روش خویش پای

۳۴۷ ایات زیر را کامل کنید.

الف

عاقبت از خامی خود سوخته

۳۴۸ بیتی از شعر «زاغ و کبک» جامی بنویسید که در آن واژه‌های «خامی» و «رهروی» وجود داشته باشد.

۳۴۹

بیت بعدی شعر زیر را بنویسید.

رخت خود از باغ به راغی کشید

زاغی از آنجا که فراغی گزید

۳۵۰ ادامه شعر را تا دو بیت بعد بنویسید.

عرضه ده مخزن پنهان کوه

دید یکی عرصه به دامان کوه

پاسخنامه تشریحی

دست	قرار دادن واژه در جمله	دست بالایی دست بسیار است از کارهای ناروا دست بکش دو دست کت و شلوار خریدم دست عضوی از بدن است او به هنگام پوست کندن میوه دستش را برید
توجه به روابط معنایی	توجه به روابط معنایی	تناسب: دست و پا و سر ترادف: دست و ید تضمن: دست و بدن
تنند	تناسب: تند و فلفل سیاه تضاد: تند و آهسته ترادف: تند و تیز تضمن: تند و مزه	

۲ تضاد

۳ (ت) تناسب

۴ از نظر معنا با هم تفاوت دارند.

الف) کسوف رخ داد.

ب) دلتنگ شدم.

پ) منقبض شد.

۵ الف) رزق، مقرری، آنچه از طرف خدا به بنده خدا رسد.

ب) از طریق رابطه معنایی تناسب بین واژه‌های بخشنده، روزی و رسیدن

۶ در بیت «الف» از طریق رابطه هم‌نشینی با واژه‌های «نی» و «بنوازم» درمی‌یابیم که چنگ نوعی ساز است.

در بیت «ب» از طریق «دل به چنگ آوردن» پی می‌بریم که «چنگ» به معنی «دست» است.

۷ از طریق «قرار گرفتن در جمله» می‌توان به معنای واژه چنگ پی برد؛ یعنی از راه هم‌نشینی با واژه‌های شیر و شغال می‌فهمیم که چنگ به معنی دست و چنگال است نه ساز موسیقی.

۸ الف) واژه‌های «زنخدان» و «جیب» ← رابطه معنایی تناسب

ب) واژه‌های «بیگانه» و «دوست» ← رابطه معنایی تضاد

۹ بین واژه‌های «دست» و «پای» رابطه معنایی تناسب وجود دارد.

۱۰ الف) واژه‌های سر و مغز ← رابطه معنایی تضمن

ب) واژه‌های شیر و روباه ← رابطه معنایی تناسب

۱۱ الف) بیش و کم ← رابطه معنایی تضاد

ب) اقبال (خوشبختی) و ادبار (بدبختی) ← رابطه معنایی تضاد

پ) برگ و درخت ← رابطه معنایی تضمن (تناسب)

۱۲

الف) تضمن

ب) تناسب

پ) تضاد

ت) ترادف

الف) آشفته‌حال ← ۳ شوریده‌رنگ

ب) مگار ← ۱ دغل

پ) اندوهگین ← ۲ نژند

ت) پشت کردن ← ۴ ادبار

۱۴ وحشی بافقی

۱۵ رابطه معنایی واژه‌های «قوت» و «نیرو» ← مترادف است.

الف) گریبان ← ۴) جیب

ب) جوانمردی ← ۱) حمیت

پ) سازگار گردانیدن ← ۲) توفیق

ت) غذا ← ۳) قوت

۱۷ الف) تیره‌رایی: بداندیشی

ب) دون‌همت: کوتاه‌همت

پ) نژند: اندوهگین

ت) اقبال: روی آوردن

۱۸ الف) دَغَل: ناراست، حيله‌گر (ب) جیب: یقه، گریبان (پ) دون‌همتی: بی‌اراده بودن، سست‌عنصری

۱۹ الف) چاشنی: طعم

ب) فروماند: متحیر شد

پ) جیب: گریبان، یقه

ت) حلاوت: شیرینی

۲۰ معنای درست واژه‌های مشخص شده:

الف) قوت: رزق روزانه، خوراک، غذا

ب) سرا: خانه

پ) غیب: پنهان، نهان از چشم

۲۱ معنای واژه‌های مشخص شده:

الف) درویش: فقیر و بی‌نوا

ب) نگون‌بخت: بدبخت

سیر: کامل و تمام (در این بیت)

پ) گرانی: سنگینی

می‌کشد: حمل می‌کند

۲۲ معنای واژه‌های مشخص شده:

الف) احسان: نیکی کردن

ب) فروماند: متحیر شد، تعجب کرد / صنع: آفرینش

۲۳ معنای واژه‌های ایبات و عبارات سوال:

الف) حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی

قوت: نیرو، توان

ب) نژند: خوار و زبون، اندوهگین

۲۴ معنی واژه‌های مشخص شده:

الف) خرد: عقل، رای

ابد: متضاد ازل، زمان بی‌انتهای

تیره‌رایی: بداندیشی و ناراستی

ب) تیمار: غم و اندوه

چنگ: نوعی ساز

۲۵ معنای واژه‌های مشخص شده:

الف) شوریده‌رنگ: آشفته حال

چنگ: در اینجا مجاز از «دست» است.

ب) توفیق: آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده فراهم کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛ سازگار گردانیدن

۲۶ معنای واژه‌های مشخص شده:

الف) اقبال: نیک‌بختی - روی آوردن

ب) دَغَل: مکر و ناراستی، در اینجا مکار و تنبل

شَل: دست و پای از کار افتاده

۲۷

معنی واژه‌های مشخص شده ← الف) کرم: بخشش / دون‌همت: کوتاه‌همت، دارای طبع پست و کوتاه اندیشه
ب) قرین: نزدیک، همراه / ادبار: نگون‌بختی، پشت کردن، متضاد اقبال

۲۸

الف) چاشنی: مزه، طعم / حلاوت: شیرینی
ب) زرخدان: چانه / جیب: گریبان، یقه

۲۹

الف) چاشنی‌بخش: آنچه برای اثربخشی کلام به آن اضافه می‌شود.

ب

یقین: بدون شک / دیده: مشاهده‌شده

پ

پیلان: فیل‌ها

ت

وامانده: باقی‌مانده، بقیه غذا

ث

گران: سنگین

۳۰

الف

توفیق

ب

چنگ

پ

تدبیر

ت

شَل

۳۱

الف

ضایه: ضایع

ب

اتِّفاغ: اتفاق

پ

ارقوان: ارغوان

ت

غرضی: قرضی

ث

آر: عار

۳۲

«مهراب» نادرست و «محراب» صحیح است.

۳۳

در گزینه «۳»، «عبد» نادرست و شکل صحیح آن «آبد» است.

۳۴

سحر: قید ← چون می‌توان آن را از جمله حذف کرد.

درخت: مفعول ← چه چیزی را دیدم؟ درخت

بام: متمم ← چون بعد از حرف اضافه «به» آمده است.

آهسته: قید ← چون می‌توان آن را از جمله حذف کرد.

ت: مضاف الیه ← بهار تو خوش باد.

نهاد مضاف‌الیه

۳۵

الف) ۳ فعل امر وجود دارد: بگیر، بیفکن (از مصدر افکندن)، بگیر

ب) جوان

۳۶

الف

حرف ربط هم‌پایه‌ساز «و»

ب

حرف ربط وابسته‌ساز: «که» [کز = که از]

پ

حرف ربط وابسته‌ساز: «تا و که»

ت

حرف ربط وابسته‌ساز: «که»

۳۷

الف) شد: گردید (فعل اسنادی یا ربطی) ب) شد: رفت (فعل غیراسنادی یا تام)

۳۸

واژه دیگر وابسته پسین است. زمانه‌ی دیگر

هسته ↓ وابسته پسین
نکره

۳۹ الف) روشنائی مفعول است.

برای پیدا کردن مفعول از فعل جمله می‌پرسیم: چه چیزی را؟ چه کسی را؟

چه چیزی را نبخشد؟ روشنائی = مفعول

ب) فعل «ماندن» ناگذر است زیرا:

۱- به مفعول نیاز ندارد.

۲- فعل اسنادی نیست پس مسند نمی‌خواهد.

۳- به حرف اضافه اختصاصی نیاز ندارد پس گذرا به متمم نیست.

پ) «خرد» متمم است. حرف «را» در مصراع اول بیت، به معنی «به» است.

باز گردانی مصراع اول: اگر روشنائی را به خرد نبخشد.

متمم

۴۰ الف) حذف به قرینه معنوی ← به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها [آغاز می‌کنم]

ب) حذف به قرینه معنوی ← مصراع اول: آن سر بلند [است] که خدا او را بلند خواهد.

مصراع دوم: آن دل نژد [است] که خدا او را نژد خواهد.

۴۱ الف) فعل «شد» اسنادی است. ← من دیوانه خواهم شد

نهاد مسند اسنادی

ب) فعل «شد» غیراسنادی است ← به فلک بر (بالا) رفت.

۴۲ ب و پ)

ب) از تاب آتش دوری چون گل غرق عرق شدم

مسند اسنادی

پ) ساغر تهی نشد

نهاد مسند اسنادی

*فعل «شد» در بیت الف به معنی «رفت» است و غیراسنادی است.

معنی مصراع (اول) به آهستگی سوی آب روان رفت.

۴۳ الف) فعل «شد» اسنادی است ← فضای سینه دوست پر شد

نهاد متمم مسند اسنادی

← که از فکر خویش ضمیرم گم شد

نهاد متمم مسند اسنادی

ب) فعل «شد» غیراسنادی است ← روزگاری شد

نهاد رفت

۴۴ الف) فعل «شد» اسنادی است ← ^{معنی} مصراع: از زمانی که آشنای عشق شدم، از اهل رحمت هستم.

مسند فعل اسنادی

ب) فعل «شد» غیراسنادی است: به غیر از آنکه دین و دانش از دستم رفت.

فعل غیراسنادی

پ) فعل «شد» اسنادی است: یار بیگانه نشو (نباش).

مسند فعل اسنادی

۴۵ گزینه «پ» صحیح است.

فعل «شد» در بیت «پ» فعل غیراسنادی است. معنی بیت: رفت آن زمان که عاشقان در کناره و گنجی بودند و خاموش و ساکت بودند.

فعل «شد» در بیت‌های «الف» و «ب» فعل اسنادی است و نیاز به مسند دارد.

الف) دلم رمیده شد .

نهاد مسند فعل اسنادی

ب) کوه صبرم نرم شد .

گروه نهادی مسند فعل اسنادی

۴۶ فعل «شد» در بیت «الف» اسنادی است اما در بیت «ب» غیراسنادی به معنای «رفت» است.

الف) تا بگویم که چه کشفم شد ← تا بگویم که چه کشفی برای من حاصل شد .

اسنادی

ب) قد تو تا بشد از جویبار دیده من ← اندام تو تا از کنار جوی چشم من رفت .
غیر اسنادی

۴۷ الف) فعل «شد» در این بیت حافظ شیرازی فعل غیر اسنادی است. به معنی «رفت»
معنی مصراع: دل من و دین من رفت (کنایه از عاشق و کافر شدم) و یارم مرا ملامت نمود.
ب) واژه «شد» در مصراع دوم بیت، فعل اسنادی است و نیاز به مسند دارد.

معنی مصراع دوم: کل وجود من چشم و گوش شد .
مسند فعل اسنادی

۴۸ الف) فعل «شد» در مصراع اول بیت، فعل غیر اسنادی به معنی «رفت» است.
معنی مصراع: دیروز معشوق می رفت (گذر می کرد) و به او گفتم ای صنم (بُت) عهد را به جای آور.
ب) فعل «شد» در مصراع اول و دوم بیت، فعل غیر اسنادی است به معنی «رفت».
معنی مصراع اول، واعظ خلوت گزیده دیشب به میخانه رفت.

معنی مصراع دوم: (واعظ) پیمان را رها کرد (ترک عهد کرد) و به سراغ جام شراب رفت.

۴۹ * آن سر بلند [است].
نهاد مسند

* او، آن سر را (ضمیرش) بلند خواهد.
مفعول

* او آن دل را (ضمیرش) نژند خواهد.
نهاد مفعول مسند

۵۰

الف) دیده: مفعول است. بازگردانی مصراع اول: یقین، دیده مرد را بیننده کرد.
مفعول

ب) معنای «شد»: رفت.

پ) بر خدا تکیه کردن: کنایه از تلاش نکردن و فقط از خدا کمک خواستن. (در اینجا)

ت) فعل «کرد» چهار جزئی و گذرا به مفعول و مسند است ← یقین دیده مرد را بیننده کرد.
مفعول مسند

۵۱

الف) مرجع ضمیر «ش» در روزش «روبه» است.

ب) بیت دوم

پ) مور نماد ضعیف بودن و ناتوانی و بی آزاری

پیل (فیل) نماد زورمندی و قدرت

۵۲

الف) «ش» در «خوردش» نقش مضاف الیهی دارد.

بازگردانی مصراع اول: نه بیگانه تیمار او را خورد. (جهش ضمیر)
مضاف الیه

«ش» در «چنگش» نقش متمم دارد.

بازگردانی مصراع دوم: چو چنگ برای او تنها رگ و استخوان و پوست ماند.
حرف اضافه متمم

ب) نهایت ناتوانی و ضعف شخص کاهل و تنبل.

۵۳

الف) دوبار واژه «مور» و یک بار واژه «ملخ» نقش مفعولی دارند. (سه بار از «رای» مفعولی استفاده شده است.)

ب) کمر بستن کنایه از عزم کردن و آماده شدن برای کاری.

۵۴

الف) غیبت

ب) مدبر

پ محزون

۵۵

الف بازو، سعی، ترازو

ب دست (در هر دو مصراع)

پ صبر، دیوار

۵۶

الف «آن» در هر دو مصراع وابسته پیشین (صفت اشاره)

ب ناپسته: صفت / احسان: مضاف الیه / هر: صفت مبهم

پ عالم: مضاف الیه / یک: صفت شمارشی

۵۷

الف چهار جمله: بگیر دست درویش پیر (۱) / ای جوان (۲) / نه خود را بیفکن (۳) / که دستم بگیر (۴)

ب سه جمله: بخور (۱) تا توانی به بازوی خویش (۲) / که سعیت بود در ترازوی خویش (۳)

پ چهار جمله: یقین (۱) / مرد را دیده، بیننده کرد (۲) / شد (۳) / و تکیه بر آفریننده کرد (۴)

۵۸

الف «وضع»: مفعول (وضع عالم را به ترتیبی نهاده)

ب «شیر»: نهاد (شیر شغال نگون بخت را خورد)

۵۹

الف درست

۶۰ «دگر» صفت مبهم (وابسته پیشین) است.

۶۱ ضمیر «ش» در مصراع دوم مضاف الیه «گوش» است. (ز دیوار محراب به گوشش آمد).

۶۲ پیوندهای هم‌پایه‌ساز: یقین، مرد را دیده، بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد. (و: پیوند هم‌پایه‌ساز)
پیوندهای وابسته‌ساز: ز نخدان فرو برد چندی به جیب / که بخشنده، روزی فرستد ز غیب (که: پیوند وابسته‌ساز)

۶۳ الف) دست شستن: کنایه از قطع علاقه کردن

ب) بر باد رفتن: کنایه از نابود شدن

۶۴ ارکان تشبیه مصراع اول:

مشبه: تو / مشبه‌به: گل / وجه‌شبه: هنگام خنده لب برهم نیامدن / ادات تشبیه: همچون
ارکان تشبیه مصراع دوم:

مشبه: من / مشبه‌به: بوتیمار / وجه‌شبه: یک جا نشستن / ادات تشبیه: چو
*البته شاعر در مصراع دوم خود را به بلبل تشبیه کرده است.

۶۵ ارکان تشبیه:

مشبه: دغل (صفت برای مخاطب «تو» که محذوف است)

مشبه‌به: شیر

وجه‌شبه: درنده‌خو بودن

ادات تشبیه: حذف شده است.

۶۶ الف) آب در هاون ساییدن: کنایه از کار بیهوده کردن

ب) دهان دوختن: کنایه از وادار به سکوت کردن / پرده‌داری: کنایه از افشا نمودن راز

ج) سپر انداختن: کنایه از تسلیم شدن

۶۷ الف) پوستین دریدن: در اینجا کنایه از دشمنی کردن، نابود کردن زندگی / گرگ شدن: کنایه از ظالم شدن

ب) سیاه روی شدن: کنایه از شرمنده شدن و افشا شدن باطن

پ) دست کوتاه کردن: کنایه از ترک تعلقات و دل‌بستگی‌ها

۶۸ مشبه: درویش (محذوف)، مشبه‌به: روباه، ادات تشبیه: چو، وجه‌شبه: به وامانده سیر شدن

۶۹

الف) به کنجی نشستن: کنایه از کار نکردن، دست از تلاش کشیدن
ب) زنخدان به جیب فرو بردن: کنایه از به تفکر فرو رفتن، کوشش نکردن
پ) خود را انداختن: کنایه از خود را ناتوان نشان دادن.
ت) دست گرفتن: کنایه از کمک کردن

۷۰) کنایه: سعیت بود در ترازوی خویش ← کنایه از نتیجه و ثمره تلاش و کوشش انسان به خود او باز می گردد.
مجاز: بازو در معنای غیر حقیقی به کاررفته است؛ به معنی قدرت و توانایی.

۷۱) الف) مادرم در بخشندگی مانند دریا است
مشبه مشبهه وجشبهه ادات تشبیه مشبهه

ب) مادرم در پاکی به برگ درخت می ماند
مشبه مشبهه وجشبهه ادات تشبیه

پ) چهره یار مثل گل زیبا است
مشبه مشبهه ادات تشبیه وجشبهه

۷۲) الف) عشق چون دریا بی کرانه است.
مشبه مشبهه ادات تشبیه مشبهه وجشبهه

ب) قلب عارف مانند آینه شفاف و پاک است.
مشبه مشبهه ادات تشبیه مشبهه وجشبهه

پ) دوران جوانی مثل گل سرخ شاداب و باطراوت است.
مشبه مشبهه ادات تشبیه مشبهه وجشبهه

۷۳) الف) شب مانند چادری تیره و سیاه بود
مشبه مشبهه ادات تشبیه مشبهه وجشبهه

ب) کتاب همچون دوست، ارزشمند است
مشبه مشبهه ادات تشبیه مشبهه وجشبهه

پ) دوست مثل آب، زندگی بخش است
مشبه مشبهه ادات تشبیه مشبهه وجشبهه

۷۴) الف) پای یک سو نهادن: کنایه از کناره گیری و دوری کردن

ب) یک مو نه بیش و نه کم: کنایه از خلل ناپذیر بودن، بی نقص بودن

۷۵) مصراع اول ← دست کسی را گرفتن ← کنایه از کمک کردن به کسی

مصراع دوم ← دستم بگیر ← کمک خواستن از کسی

۷۶) در بیت ب) کنایه وجود دارد.

۱- دستم گرفتن: کنایه از کمک کردن به کسی

۲- پای افکندن: کنایه از نابود کردن

۷۷) مشبه: (تو) فقیه

مشبه به: خاک

وجه شبه: تحمّل کردن

ادات تشبیه: چو

۷۸) مشبه: ایام گل

مشبه به: عمر

وجه شبه: با شتاب رفتن

ادات تشبیه: چو

۷۹) الف)

کسی که خدا او را مورد عنایت و توجه قرار دهد سربلند و والا مقام می گردد و انسانی که خدا او را نخواهد خوار و زبون و اندوهگین می شود.

ب) دل مجاز از انسان، شخص، فرد

پ) سربلند شدن کنایه از رفعت و والایی مقام و شأن

۸۰) الف)

چاشنی استعاره از سخن زیبا

ب دو سرای استعاره از دنیا و آخرت

۸۱

الف دست گرفتن کنایه از یاری کردن

ب بیننده کنایه از آگاه / تکیه کردن کنایه از توکل

پ شوریده رنگی کنایه از آشفتگی

۸۲

الف «سر» و «دل»: مجاز از انسان

ب «اقبال» و «ادبار»: تضاد

پ تکرار صامت‌های «ر» و «د»: واج آرایبی

۸۳ جناس همسان (تام): چنگ (۱): نوعی ساز، چنگ (۲): پنجه، انگشتان

۸۴ «چنگ» ایهام تناسب دارد. واژه چنگ در این بیت به معنی نوعی ساز موسیقی است و این معنا در بیت پذیرفتنی است. معنای دوم چنگ کف دست و انگشت است که در این بیت پذیرفتنی نیست ولی با واژه‌های رگ و استخوان و پوست تناسب و مراعات نظیر دارد.
* یادآوری: ایهام تناسب: آن است که یک واژه بیش از یک معنا داشته باشد و یک معنای آن در بیت پذیرفتنی باشد اما معنای دیگر آن پذیرفتنی نباشد و در عین حال با بعضی از واژه‌های بیت، رابطه تناسب برقرار کند.

۸۵ الف

مضمون آیه (هر کسی را که بخواهی عزّت می‌دهی و هر کس را که بخواهی ذلّت می‌دهی) با پیام بیت تناسب دارد. مفهوم بیت وحشی بافقی: عزّت و ذلّت به دست خداوند متعال است.

۸۶ واژه «چنگ» در بیت سوال، جناس همسان دارد.

چنگ اولی: ساز موسیقی، چنگ دومی: دست

۸۷

الف اشاره به آیه «تَعَزُّمَن تَشَاءُ وَ تَذَلُّ مَن تَشَاءُ» (هر که را بخواهد عزّت می‌دهد و هر که را بخواهد خوار می‌کند): تلمیح

ب اشاره به آیه «اللّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (خدا هر کس را که بخواهد بی حساب روزی می‌دهد). (آل عمران / ۳۷): تلمیح

پ اشاره به آیه «اللّهُ لَطِيفٌ بَعْبَادِهِ» (خداوند نسبت به بندگانش با مهر و لطف رفتار می‌کند). (شوری / ۱۹): تلمیح

ت اشاره به آیه «وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست). (النجم / ۳۹): تلمیح

ث اشاره به آیه «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (به او (انسان) بیان آموخت). (سورة الرَّحْمَن / آیه ۴): تلمیح

۸۸ مجاز: سر مجاز از انسان و فرد / مغز مجاز از اندیشه و تفکر

جناس ناهمسان: اوست و پوست ← چون تنها در یک حرف اختلاف دارند.

تضاد: مغز و پوست

۸۹ *واج آرایبی (یا نغمه حروف) ← تکرار صامت / س / در واژه‌های نابسته، احسان، است، کس، می‌بایست و داده است.

*کنایه: گشاده بودن در احسان خداوند متعال ← کنایه از کرم و بخشش فراوان حضرت حق.

*اضافه استعاری: در احسان ← احسان خداوند به خانه و کاخی تشبیه شده که «در» از اجزای آن است.

*یادآوری: راه تشخیص اضافه استعاری: ۱) ترکیب اضافی باشد، ۲) کلمه دوم را به مشبه‌بھی تشبیه می‌کنیم که نیامده ولی یکی از اجزای آن در کلمه اول آمده است.

مثال: پای جان ← جان به انسان تشبیه شده که نیامده؛ ولی پا که از اجزای آن است در کلمه اول آمده است.

۹۰ الف) مشبّه: او (محذوف، ضمیر متصل ش در چنگش)، مشبّه به: چنگ / ادات تشبیه: چو / وجه شبه: رگ و استخوان و پوست ماندن

(ب) دشمن و دوست متضادند.

۹۱ الف) بیت دوم صورت بی صورت، تناقض دارد یعنی دو امر متضاد طوری کنار هم آمده‌اند که قابل جمع کردن نیستند مثل: فریاد بی صدا، بی هنری هنر، از تهی سرشار و...

(ب) بیت دوم به معجزه حضرت موسی (ع) تلمیح دارد. حضرت موسی (ع) دست در گریبان برد و به امر خدا ید بیضا (دست نورانی) را بیرون آورد.

(پ) نام و ننگ متضاد هستند.

۹۲ الف) هر دو سرای استعاره از هر دو جهان، دنیا و آخرت است.

(ب) نیک و نیکی ← جناس ناهمسان

۹۳ حس آمیزی: حلاوت سنج معنی «واژه حلاوت به معنی شیرینی مربوط به حس چشایی است و در مورد معنا به کار برده شده که یک حس باطنی است، کنایه: چاشنی بخش بودن کنایه از: اثربخش بودن

حلاوت سنج بودن کنایه از: خوبی و بدی را مشخص کردن

مجاز: زبان مجاز از گفتار و سخن است. (زیرا در معنای خود زبان به کار نرفته است بلکه در غیر از معنای حقیقی خود؛ یعنی سخن و گفتار به کار رفته است.)

۹۴ الف) خیر. واژه «چو» به معنی «وقتی که» است بنابراین ادات تشبیه نیست. پس آرایه تشبیه یافت نمی‌شود.

ب) «هوش» و «گوش» چون فقط در یک حرف اختلاف دارند جناس ناهمسان می‌سازند.

۹۵ الف) واژه «مور» و «زور» تنها در یک حرف اختلاف دارند. ازین رو جناس غیرهمسان هستند.

ب) در عبارت ازین پس چو مور به کنجی می‌نشینم:

مشبه: من (شناسه «م» در فعل نشینم)

مشبه به: مور

وجه شبه: به کنجی نشستن (ضعیف بودن)

ادات تشبیه: چو

پ) به کنجی نشستن: کنایه از کار و تلاش نکردن

۹۶ هر دو بیت دقیقاً به این موضوع اشاره می‌کنند که عقل در شناخت خداوند عاجز و ناتوان است.

۹۷ ۱) ← ب ۲) ← الف

بیت‌های ۲) و الف) به این نکته اشاره دارند که همه کم و زیاد شدن‌ها به دست خدا است. خدا به هر کس بخواهد، عزّت و به هر کس نخواهد، ذلّت عطا می‌کند.

مفهوم بیت‌های ۱) و ب)، صفت «رّزاقیت» خداوند است. خداوند از روی بخشندگی، احسان و کرم خود به همه موجودات به اندازه نیاز و حتّی بیش از آن عطا نموده است.

۹۸ بیت‌های «الف» و «پ» با یکدیگر قرابت معنایی دارند. مفهوم بیت‌های «الف» و «پ»: ترک تلاش و کوشش و تکیه بر خالق

مفهوم گزینه «ب» با سایر گزینه‌ها تقابل و تضاد معنایی دارد. مفهوم بیت «ب»: نان از عمل خویش خوردن و سفارش به تلاش کردن برای کسب روزی.

۹۹ الف، ج، ب

الف: به خود متکی بودن و بی‌نیازی از دیگران

ج: دست‌گیری کنایه از فقیرنوازی و کمک به دیگران

ب: کل بیت به روزی دادن اشاره دارد.

۱۰۰ بیت ب) مفهوم بیت سؤال کمک به بینوایان و افتادگان است و این با مفهوم بیت «ب» که سفارش به تواضع و افتادگی است مغایرت دارد.

۱۰۱ بیت الف)

ضرب المثل موجود در سؤال و بیت «اول» به مخاطب توصیه می‌کنند که روی پای خود بایستد و به دیگران متکی نباشد.

مفهوم بیت «ب» توصیه به احسان و نیکی به دیگران است.

۱۰۲ الف) وامانده: باقی‌مانده، آنچه از غذای دیگران بر جای می‌ماند.

ب) آنگونه تلاش و کوشش کن که مثل شیر از تو باقی‌مانده و پس‌ماندی از غذایت بماند چرا مانند روباه به وامانده دیگری خود را سیر می‌کنی؟

پ) مفهوم بیت: سفارش به تلاش، اتکا به خود و روی پای خود ایستادن.

۱۰۳ الف) کنایه از: اندیشه و تفکر کردن در این درس کنایه از کوشش و تلاش نکردن

ب) کنایه از: نتیجه کار و تلاش انسان به خود او باز می‌گردد (حاصل کوشش خود را خودت می‌بینی)

پ) کنایه از: از خود بی‌خود شدن و مست و مدهوش شدن

ت) کنایه از: آگاه و بصیر نمودن

۱۰۴ گزینه ب)

مفهوم بیت سؤال و بیت «ب»: آفرینش بی نقص و دقیق خداوند در امر خلقت است. (اشاره به مسأله «نظام احسن»)

۱۰۵ ب) مفهوم بیت سؤال و مصراع دوم بیت ب: به «خیر و رحمت رساندن به دیگران» اشاره می‌کنند.

۱۰۶ الف) خداوند

ب) هم عبارت سؤال و هم عبارت حرف «ب» معتقدند که همه کم و زیاد شدن‌ها به دست خداست و مفهوم بیت سؤال به آیه «تَعَزَّزْنَ تَشَاءُ وَ تُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ» اشاره دارد. خداوند به هر که بخواهد عزّت و سربلندی و به هر که بخواهد ذلّت و خواری عطا می‌کند.

۱۰۷ گزینه ۲،

۱۰۸ مفهوم دو بیت بالا به نوعی، تضاد را مطرح می‌کند. اگر لطف خدا شامل حال کسی شود همه بدبختی‌های او تبدیل به خوشبختی می‌شود و برعکس اگر توفیق و توجه خدا از بندهای گرفته شود هیچ تدبیر و خردی سودمند نخواهد بود.

مفهوم کلی دو بیت: هر آنچه خواست خداوند است اتفاق می‌افتد.

۱۰۹ بخشایش الهی شامل حال کسی می‌شود که مردم از او به آسایش برسند؛ یعنی اسباب آسایش و راحتی مردم را فراهم کند.

۱۱۰ گزینه (ج) خردمندی

۱۱۱ گزینه «د» یا «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست»

۱۱۲ یکی از مفاهیم محوری درس، تلاش و کوشش در کسب روزی است. اگر آدمی کار و کوشش کند، خداوند خیر و برکت آن کار را زیاد می‌نماید. چنانچه انسان از کوشش و تلاش دست بکشد و تنبلی کند، هیچ رزقی نصیب او نخواهد شد. آیات یازدهم تا چهاردهم درس، ناظر بر این موضوع‌اند. و نیز بیت زیر:

راه جستن ز تو هدایت از او / جهد کردن ز تو عنایت از او (سنایی)

۱۱۳ الف) مفهوم: تأکید بر تلاش و کوشش برای کسب رزق

برو شیر درنده باش، ای دغل / مینداز خود را چو روباه شل

چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش

ب) مفهوم: تأکید بر نیکی کردن به دیگران

بگیر ای جوان، دست درویش پیر / نه خود را بیفکن که دستم بگیر

کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلقِ خدای

پ) مفهوم: متکی بودن به خود، استقلال و خودکفایی

بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش

۱۱۴ وقتی آن مرد دید روباه عاجز چگونه روزی می‌خورد، به لطف و قدرت الهی یقین حاصل کرد. از این‌رو رفت و به خداوند توکل نمود و از کار و تلاش دست کشید. در حقیقت او توان و قدرت آدمی را نادیده گرفت و به صرف توکل به خداوند امید رزق و روزی داشت.

۱۱۵

معنی: آن کسی که صاحب عقل است، کرم و جوانمردی پیشه می‌کند و افراد کوتاه‌نظر نادان، فرومایگی و پستی می‌کنند.

۱۱۶ شیر: نماد افراد قوی و متکی به خود / روباه: نماد افراد ضعیف و ناتوان و وابسته به دیگران

۱۱۷ بیت «ب»، معنی بیت: هرچند رزق و روزی از در گاه الهی می‌رسد و مقرر است ولی تلاش برای کسب روزی شرط خرد و عقل است.

۱۱۸ مفهوم کلی بیت: نصیحت‌ناپذیری عاشق

۱۱۹ الف) وسیلهٔ سنجش دوستان خوب از بد آزمایش نمودن آنهاست هنگام قرض خواستن.

معنی بیت: روز نیازمندی و احتیاج زمان مناسبی برای تشخیص دوستان واقعی است برای آزمایش و تجربه از دوستان خود قرضی و وامی را طلب کن.

ب) مفهوم بیت: جمال خداوند در آینهٔ دل انسان تجلی می‌کند و آشکار می‌شود.

۱۲۰ کرم‌ورزی و بخشش

۱۲۱ بیت پ) در عبارت «خلق از وجود کسی در آسایش بود»، علاوه بر «کرم نمودن» مفهوم «بی‌آزاری» نیز وجود دارد.

۱۲۲ بیت پ) مضمون آیهٔ شریفهٔ سورةٔ نجم: و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. همین مضمون در بیت «پ» یافت می‌شود.

۱۲۳ معنی بیت الف) تا قوت و نیرو داری از حاصل سعی و تلاش خود رزق و روزی به دست آور زیرا نتیجهٔ کوشش و تلاش تو به خودت برمی‌گردد.

معنی بیت ب) انسان خردمند و پُر مغز به کرم و بخشش کردن می‌پردازد در حالی که انسان نادان و سست اراده، پستی می‌کند.

۱۲۴ الف) شیر نماد افراد تلاشگر، قوی و کسانی که به‌خود اتکا دارند. روباه نماد انسان‌های ضعیف و ناتوان که تلاش نمی‌کنند.

ب) خود را انداختن: کنایه از خود را عاجز و درمانده نشان دادن. (تظاهر به ناتوانی)

پ) مفهوم نهایی بیت سفارش به کوشش و تلاش است.

۱۲۵ معنی بیت: (در این مدّت) نه غریبه به فکر او بود و غم او را می‌خورد نه آشنا و در این ایام مانند ساز چنگ تنها رگ و پوست و استخوان از او باقی ماند. (بسیار ضعیف و ناتوان شد.)

۱۲۶ معنی بیت: (آن شخص تنبل) مدّتی در تأمل و تفکر فرو رفت و کوشش نکرد به این امید که خدای روزی‌رسان روزی او را از غیب بفرستد.

۱۲۷ معنی بیت: شیر، شغال بدبخت را خورد و روباه آنچه را (از لاشهٔ شغال) باقی مانده بود کامل و تمام خورد.

۱۲۸ الف) معنی بیت: اگر لطف و مرحمت خداوند همراه و همدم کسی گردد همهٔ بدبختی‌های او به خوشبختی و خوشاقبالی تبدیل می‌شود.

ب) معنی بیت: اگر توجه و التفات خدا از بندهای قطع شود هیچ تدبیر و خرد و چاره‌ای اثر بخش نخواهد بود. (غلبهٔ خواست و ارادهٔ خدا بر عقل و تدبیر)

۱۲۹ گزینه ب)

معنی و مفهوم بیت: خداوند جهان را به گونه‌ای خلق نموده است که هر چیزی در جای خود قرار دارد نه کم نه زیاد.
*نظام احسن آفرینش یعنی آفرینش دقیق و بدون کاستی و نقص.

۱۳۰ معنی بیت: خداوند متعال در خانه کرم و بخشش خود گشوده و باز کرده و به هر مخلوقی به اندازه نیاز آن بنده عطا نموده است.

۱۳۱ گزینه ب)

بیت سؤال و بیت (ب) هر دو به آیه «تُعْزُ مِنْ تَشَاءُ وَ تُدَلُّ مِنْ تَشَاءُ» اشاره دارند و معتقدند همه کم و زیاد شدن‌ها به دست خداوند متعال است. اگر او بخواهد انسانی به سعادت و نیک‌بختی می‌رسد و اگر او نخواهد شقاوت و بدبختی نصیب انسان می‌شود.

۱۳۲ به نام پروردگاری آغاز می‌کنم که حضورش در سخن، مزه و شیرینی به آن می‌بخشد؛ نام و حضورش در سخن، معیار شیرینی معنا در بیان است.

۱۳۳ گزینه ب)

مثنوی قالبی است که هر بیت آن قافیه‌ای جداگانه دارد. طرز قرار گرفتن قافیه‌ها در قالب مثنوی در شکل نشان داده شده است.

× ——— × ———
□ ——— □ ———
△ ——— △ ———
○ ——— ○ ———

در قصیده مصراع اول بیت اول و مصراع‌های زوج تمامی ابیات با یکدیگر هم قافیه هستند. شکل قرار گرفتن قافیه در قصیده:

× ——— × ———
× ——— × ———
× ——— ———
× ——— ———
× ——— ———

*البته قالب قصیده و غزل در شکل قرار گرفتن قافیه یکسان هستند با این تفاوت که غزل تا ۱۵ بیت و قصیده از ۱۵ بیت بیشتر است.

۱۳۴ الف) معنای بیت: آن کسی که چون شیر قدرتمند است اگر مانند روباه خود را به ناتوانی بزند و کاهلی کند سگ از او شایسته‌تر خواهد بود.

چه فکری

۱۳۵ مرجع ضمیر «این»، مفهوم بیت اول است. درویش شوریده‌رنگ در این فکر بود: ———> اینکه آن شغال چگونه بدون دست و پا زنده می‌ماند و زندگی می‌کند؟

۱۳۶ از نظر شاعر، آنچه مایه به کمال رسیدن عقل در راه رسیدن به خدا می‌شود این است که خود را در برابر عظمت دانش الهی، نادان و ناآگاه ببیند.

۱۳۷ روشنایی بخشیدن به خرد: یعنی مسیر عقل را روشن کردن و هدایت و راهنمایی عقل از سوی خداوند متعال.

۱۳۸ وحشی بافقی در مصراع دوم بیت بالا معتقد است اگر خدا به عقل و خرد، روشنایی نبخشد و او را هدایت نکند تا ابد در تاریکی و جهالت خواهد ماند.

۱۳۹ خیر در احسان و کرم الهی همیشه باز بوده و همه مردم به تناسب لیاقت و شایستگی خود از آن بهره‌بردارند.

۱۴۰ الف) بیت دوم به حکمت الهی و تدبیر او اشاره می‌کند. مفهوم بیت: خداوند متعال جهان را بدون نقص و کاستی آفریده است.

ب) خداوند

۱۴۱ وحشی بافقی در بیت سؤال، خداوند متعال را به خاطر اثر بخشی و زیباسازی بیان و سخن شاعران مورد ستایش قرار می‌دهد. از نظر او اگر سخنی شیرین و تازه و آبدار است و زیبا به نظر می‌رسد از لطف و عنایت باری تعالی است.

۱۴۲ هر دو بیت با هم قرابت معنایی دارند. مفهوم هر دو بیت: ستایش حکمت و تدبیر الهی و بی‌نقص بودن نظام آفرینش

۱۴۳ ب) فروماندن: متحیر شدن

۱۴۴

الف) عالم هستی را به گونه‌ای آفریده است که نه کوچک‌ترین چیزی از آن کم است و نه زیاد

ب) وقتی که از ضعف و بی‌هوشی، صبر و طاقتش تمام شد، ندایی غیبی به گوشش رسید.

پ) آن‌چنان تلاش کن که مانند شیر از تو برای دیگران چیزی بماند، نه اینکه مانند روباه با باقی‌مانده غذای دیگران سیر شوی.

۱۴۵

الف) دعوت به تلاش و قدرتمندی و ترک ضعف و گوشه‌نشینی

ب) دعوت به تلاش و خودکفایی

پ) نتیجه نیکی به خلق، نیکی دیدن در دو جهان است.

۱۴۶

الف به فکر فرو رفت.

ب گوشه‌نشین شد و دست از تلاش برداشت.

پ نتیجهٔ عملت به تو خواهد رسید.

۱۴۷

الف دست از کار کشید یا تلاشی نکرد و بیکار ماند.

ب ناگهان متوجه شدند که به علت تلاطم و طغیان آب، گشتی از آب پر شد و شروع به غرق شدن و شکستن کرد.

۱۴۸

الف با شادی شروع به نوشتن کرد.

ب ای جوان به انسان ضعیف (ناتوان) کمک کن.

۱۴۹ خداوند به هر کسی هر چه نیاز داشته، داده است.

۱۵۰ خداوند

۱۵۱ «شیر» نماد انسان‌های تلاشگر که بخشنده‌اند و «روبا» نماد انسان‌های ضعیف که از تلاش دیگران روزی می‌خورند.

۱۵۲ آنچه که در زندگی مهم است، همت بالا است، نه قدرت و توانایی بدنی.

۱۵۳ الف. ادبیات تعلیمی

ب. ادبیات غنایی

۱۵۴ بیت «ب» از حافظ است.

۱۵۵ گزینهٔ الف) بیت این گزینه از اوحدی مراغه‌ای است.

۱۵۶ بیت «ب» از پروین اعتصامی است.

۱۵۷ پ) تعلیمی

وظیفهٔ شعر تعلیمی، تعلیم و آموزش است. سعدی در داستانِ درسِ اوّل (نیکی) با بیان تمثیلی، نکات اخلاقی را در پایان حکایت به مخاطب می‌آموزاند.

۱۵۸ ب) فریدون مشیری

۱۵۹ پ) بهارستان نوشتهٔ جامی است.

۱۶۰ الف) صائب تبریزی

۱۶۱ تلاش و کوشش موجب بی‌نیازی از دیگران است.

۱۶۲

الف اوحدی

ب مولوی

پ صائب

ت فریدون مشیری

۱۶۳ در هر دو مورد، به کمک دیگران در هنگام توانایی اشاره شده است.

۱۶۴ سرودهٔ «سعدی» و در قالب «مثنوی» است.

۱۶۵ خيلتاش: حشم، نديمان / رقعت: دبیر، دوات، قلم

۱۶۶ رابطهٔ تضاد

۱۶۷ الف) یافتم: دیدم

ب) علّت: بیماری، مریضی

پ) بار داده آید: اجازهٔ ملاقات داده شود (فعل مجهول است).

۱۶۸ الف) جزا: پاداش، مکافات (روز جزا: قیامت)

ب) غرامت‌زده: تاوان‌زده، کسی که غرامت کشد.

۱۶۹ الف) عمید: بزرگ، سرور، رئیس قوم / علی‌ایّ حال: در هر صورت

ب) وزر: بار سنگین، در اینجا باگناه

۱۷۰ الف) صلت: انعام، جایزه، پاداش / سخت: بسیار

ب) الله دُرُّ کُما: خدا خیرتان دهد.

۱۷۱ الف) نیک: خوب

ب) ضیعتک: زمین زراعی کوچک

۱۷۲ الف) کُتان: گیاهی است که از الیاف آن در صنعت نساجی استفاده می‌شود. / تاس: قدح، کاسه، طشت / زَبَر: بالا

ب) کافی: باکفایت، دانای کار / نماز پیشین: نماز ظهر / مَهَمات: کارهای خطیر و مهم

* نام نمازهای پنج‌گانه به ترتیب:

۱- دوگانه: نماز صبح

۲- نماز پیشین: نماز ظهر

۳- نماز دیگر: نماز عصر

۴- نماز شام: نماز مغرب

۵- نماز خفتن: نماز عشا

۱۷۳ الف) محجوب: پنهان، مستور، پوشیده

ب) عارضه: حادثه، بیماری / نکت: نکته‌ها، جمع نکته

۱۷۴ الف) یک دوال: یک لایه

ب) توقیع: مُهر یا امضای پادشاهان و بزرگان / موکّد: تأکید شده / مبشّران: نویددهندگان، مژده‌رسانان

۱۷۵ الف) هنر آن بود: خوشبختانه، بخت یار بود

ب) مقرون: پیوسته، همراه / مثال داد: دستور داد، فرمان داد

ج) نیک: کاملاً، کامل / افکار: مجروح، خسته

۱۷۶

الف) صحرا، بیابان (صحرائی، بیابانی)

۱۷۷

الف) سالم (سالم هستم)

۱۷۸ افاق تشریفات

۱۷۹ الف) پنهان، مخفی

ب: با شرم و حیا

۱۸۰ فرمان داد: مثال داد / سوار اسب شد: برنشست / اجازه حضور داده شود: بار داده آید.

۱۸۱ الف) فراغ: آسودگی، آسایش / راغ: صحرا، دامنه سبز کوه

ب) عرصه: فضا، ساحت / عرضه ده: نشان‌دهنده، نشانگر

۱۸۲ الف) القصّه: خلاصه / مرغزار: سبزه‌زار، چراگاه، علفزار

ب) خطوات: جمع خطوه، گام‌ها، قدم‌ها / متقارب: نزدیک به هم، در کنار هم

۱۸۳ الف) اندک‌مایه: مقدار کم / حُطام: ریزه گیاه خشک، ریزه و شکسته چیزی

ب) غزو: جنگ / مصطفی: برگزیده، از القاب پیامبر اکرم (ص)

۱۸۴ واژه‌های مترادف عبارت‌اند از:

الف) سرسری ← ت) خیر خیر

ب) شک ← الف) شبهت

پ) گناه ← پ) وَبال

ت) راحت‌تر ← ب) فراخ‌تر

۱۸۵ واژه‌های مترادف عبارت‌اند از:

الف) آوازه‌خوان ← ت) مطرب

ب) زبون ← پ) بیچاره

پ) آشفتگی ← الف) تشویش

ت) حیران ← ث) سرگشته

ث) دریافت کردن ← ب) ستن

۱۸۶) توزی: منسوب به شهر توز، پارچهٔ کتانی نازک که در شهر توز می بافتند. / مخنقه: گردن آویز، گردن بند / عقد: مخنقه، گردن بند / کافور: ماده‌ای سفیدرنگ و خوشبو

ب) خیل‌تاشان: هریک از سپاه‌یانی که از یک دسته باشند. / رقعت: رقع، نامهٔ کوتاه / گسیل: فرستادن / باز نمود: شرح داد، بیان کرد.

۱۸۷) معنای واژه‌های مشخص شده:

کراهیت: ناپسندی

فرود سرای: اندرونی، اتاقی در خانه که پشت اتاق دیگر واقع شده باشد؛ مخصوص زن و فرزند و خدمتکاران
آغاجی: خدمتکار مخصوص امیر مسعود غزنوی

خیر خیر: سریع، سراسری

بشارت: مژده، خبر خوش

۱۸۸) الف) نمودن: نشان دادن / سور: جشن / تیره شد: به هم خورد

ب) سرسام: تورم سر و مغز و پرده‌های آن / بار: اجازه، حضور، رخصت دادن

۱۸۹) الف) هزاهز: فتنه‌ای که مردم را به جنبش درآورد، فتنه و آشوب / غریو: فریاد، خروش، بانگ بلند

ب) مملکت: کشور / صعب: دشوار، سخت

۱۹۰) چاشتگاه: هنگام چاشت، نزدیک ظهر

کس را خبر نه: کسی از واقعه باخبر نبود.

۱۹۱) الف) یوز: پوزپلنگ، جانور شکاری کوچک‌تر از پلنگ که با آن به شکار آهو و مانند آن می‌روند. / حشم: خدمتکاران / ندیمان: همنشین‌ها

ب) جامه‌ها افگندند: گستردنی‌ها را گستردند / شراع: خیمه، سایه‌بان

۱۹۲) الف) شبگیر: پیش از صبح، سحرگاه / برنشست: سوار شد / کران: ساحل، کرانه

ب) قضا: سرنوشت / ناو: کشتی، به‌ویژه کشتی دارای تجهیزات جنگی

۱۹۳) الف

فتنه ای که مردم را به جنبش درآورد.

۱۹۴) الف

گناه (۰.۲۵)

۱۹۵) الف

سالم (سالم هستم)

۱۹۶) الف

نزدیک به هم

۱۹۷) الف

شراع: سایه‌بان، خیمه

۱۹۸) الف

عذاب، گرفتاری

۱۹۹) الف

نزدیک‌شونده / همگرا

۲۰۰) الف

آسایش

۲۰۱) الف

مرجع ضمیر «ش» کبک است.

ب

القصة: خلاصه

پ

منظور از «این قاعده» تقلید کورکورانه است.

۲۰۲) الف

کوشک: قصر، کاخ

ب) مستحق: نیازمند

پ) سرسام: تورّم سر و مغز و پرده‌های آن که یکی از نشانه‌های آن، هذیان بوده است.

بار: اجازه دیدار

ت) ضیعت: زمین زراعتی

۲۰۳

الف) درست: تندرست، سالم

ب) اعیان: بزرگان

پ) متحیر: سرگردان، حیرت‌زده

ت) علّت: بیماری / زایل شد: نابود شد، برطرف شد

ث) غزو: جنگ کردن با کافران

ج) بی‌شُبّهت: بی‌تردید، بی‌شک

چ) تنگدست: فقیر

ح) فراخ‌تر: آسوده‌تر، راحت‌تر

خ) لختی: اندکی

د) شمار: حساب

ذ) نادره: کمیاب / جمال: زیبایی

ر) شاهد: زیبارو، محبوب، مشاهده‌کننده / روضه: باغ، گلزار / فیروزه‌فام: به رنگ فیروزه، فیروزه‌رنگ

ز) رقم: نوشته

ژ) قاعده: روش، شیوه

س) رهروی: راه رفتن، رفتار و اعمال

ش) غرامت‌زده: تاوان‌زده، کسی که غرامت کشد، پشیمان

۲۰۴

الف) فرودِ سرای

ب) گتّان

پ) توزی

ت) کافور

۲۰۵

الف)

سریع و آسان

۲۰۶) همایون: خجسته، مبارک، فرخنده / دوات: مرگ‌بدان، جای جوهر

۲۰۷) شکل درست واژگان املائی:

الف) سور و شادی

ب) رُقعتی نبشت / محجوب

۲۰۸) شکل درست واژگان املائی:

الف) غرقه خواست شد / غریو / خاست (بلند شد)

ب) مخنقه (گردن بند)

۲۰۹) شکل درست واژه‌های املائی:

الف) از قضای آمده / امیر کشتی‌ها بخواست

ب) حادثه بزرگ و صعب / سلامت که به آن مقرون شد.

۲۱۰) آقاجی ← آغاجی / احوال ← احوال / حق‌گذار ← حق‌گزار / مغرون ← مقرون

۲۱۱) حیرمند ← هیرمند / هشم ← حشم / چاشتگا ← چاشتگاه / بخواست ← بخواست

۲۱۲ در گزینه «۳»، «قزو» نادرست و شکل صحیح آن «غزو» است.

۲۱۳ در گزینه «۱»، «غرقه خاست شد» نادرست و شکل صحیح آن «غرقه خواست شد» است.

۲۱۴ زمان فعل‌های مشخص شده:

کردی ← ماضی استمراری ← می‌کرد.

*حرف «ی» در دستور تاریخی نشانه «می» استمراری است.

کردمی ← ماضی استمراری ← می‌کردم.

*حرف «ی» در فعل «کردمی» نشانه استمراری است و به صورت «می» درآمده است.

دیده‌ام ← ماضی نقلی (صفت مفعولی + شناسه‌ام، ای، اد و ...)

می‌ترسد ← مضارع اخباری (می + بن مضارع + شناسه)

۲۱۵ فعل معلوم: ره و رفتار خویش را فراموش کرد ← ره و رفتار فراموش کرده شد.
مفعول فعل معلوم مجهول

۲۱۶ الف) خیمه‌ها و شرع زده شده بود.

ب) کشتی‌ها خواسته شدند.

ج) جامه‌ها افکنده شدند.

۲۱۷ الف) در گروه اسمی «موشان دیگر» موش، هسته و واژه «دیگر» وابسته پسین و صفت مبهم است.

ب) در گروه اسمی «دیگر روز»، روز، هسته و «دیگر» وابسته پیشین از نوع صفت مبهم است.

۲۱۸ ت) می‌فروشد

۲۱۹ الف) این عهد قبول کرده نشود.

ب) ایشان باز گردانیده شدند

ج) زر باز فرستاده شد.

۲۲۰ شکل معلوم‌شده فعل‌های عبارت سؤال:

۱- به آغاجی خادم داده می‌شد.

۲- و خیرخیر جواب آورده می‌شد.

۳- امیر هیچ دیده نمی‌شد.

۲۲۱ گزینه «الف»: داده آید

۲۲۲ فعل «شد» در هر دو مصراع فعل اسنادی است و به مسند نیاز دارد.

بازگردانی مصراع اول: اگر وجه خدا منظر نظر تو شود

نهاد مسند فعل اسنادی

بازگردانی مصراع دوم: از این پس شکی نماند که صاحب‌نظر می‌شوی

مسند فعل اسنادی

۲۲۳ الف) روز

ب) دیگر: وابسته پیشین

* واژه دیگر امروز غالباً به عنوان صفت مبهم در جایگاه وابسته پسین به کار می‌رود. در متون کهن، گاه این صفت مبهم در جایگاه وابسته پیشین قرار می‌گرفته است.

۲۲۴

الف) نیک

ب) ناگاه - چون

پ) به نشاط

ت) به هیچ حال

۲۲۵ چهار فعل: بار داده آید، نبشته آمد، گسیل کرده شد و داده آید

۲۲۶ جمله مجهول: نامه نبشته آمد ← نامه نوشته شد. امروزی

جمله مجهول: بار داده آید ← داده شود. امروزی

۲۲۷ الف) بار دیگر

هسته وابسته پسین

ب) دیگر کاینات

وابسته پیشین هسته

«دیگر» در هر دو مورد صفت مبهم است.

۲۲۸ دیگر: وابسته پیشین از نوع صفت مبهم

رقعت: مفعول ← رقعتی را نوشت.

زر: مفعول ← زر را باز فرستاد

۲۲۹ جمله معلوم ۱- (زاغ) بر قدم او قدمی را می‌کشید ← قدم کشیده می‌شد.

جمله معلوم ۲- (زاغ) وز قلم او رقمی می‌کشید ← رقم کشیده می‌شد.

۲۳۰ فعل معلوم: زاغ چو آن ره و رفتار را دید ← آن ره و رفتار دیده شد

۲۳۱ فعل معلوم (زاغ) یک عرصه به دامن کوه را دید ← یک عرصه به دامن کوه دیده شد.

۲۳۲ جمله معلوم: ۱- زاغی فراغی گزید ← : فراغی گزیده شد.

جمله معلوم: ۲- رخت خود را به راغی کشید ← : رخت به راغی کشیده شد.

۲۳۳ شکل مجهول عبارات سوال

الف) کسی فرستاده شد.

ب) قاضی بوالحسن و پسرش خوانده بشدند.

ج) آن همی ستانده نشود.

*در عبارت آن قاضی همی نستاند: قاضی: نهاد آن: مفعول. هنگام مجهول سازی قاضی حذف می‌شود و «آن» در جایگاه نهاد قرار می‌گیرد.

۲۳۴ شکل مجهول عبارات سوال:

الف) زرها آورده شده است.

ب) حق نعمت تندرستی گزارده شده باشد.

۲۳۵ الف) فعل مجهول: گسیل کرده شود

شکل معلوم: او نامه‌ها را گسیل کند.

ب) فعل مجهول: داده آید: (داده شود)

شکل معلوم: او پیغام را دهد.

*در فعل‌های مجهول جملات بالا از فعل کمکی «شود» و «آید» [شود] که مضارع هستند استفاده شده است هنگام معلوم سازی فعل اصلی نیز باید به صورت «مضارع» در آید. «کند»، «دهد»

۲۳۶ الف) نامه سنده بشد و پیش برده شد.

ب) تو خوانده می‌شوی.

۲۳۷ الف) نامه‌های رسیده بیرون آورده می‌شد.

ب) چیزی که در او کراهیتی نبود فرود سرای فرستاده می‌شد.

۲۳۸ الف) فعل معلوم: دهند ← : دو هزار هزار درم به دیگر ممالک به مستحقان و درویشان داده شد.

ب) فعل مجهول: نبشته آمد: نوشته شد ← او نامه را نوشت.

۲۳۹ الف) امیر بگرفته شد و ربوده شد و به کشتی دیگر رسانیده شد.

ب) جامه بگردانیده شد.

*فعل‌هایی می‌توانند مجهول شوند که به مفعول نیاز داشته باشند. فعل «آمد» چون به مفعول نیاز ندارد نمی‌تواند گذرا شود.

۲۴۰

الف «را» به معنای «به» حرف اضافه

ب «را» به معنای «برای» حرف اضافه

پ «را» نشانهٔ مفعول

۲۴۱

الف مرجع ضمیر «من» ابوالفضل بیهقی است که نامه‌های امیرمسعود را به دست استاد خود رساند.

ب منظور از «خداوند» امیرمسعود است.

پ «سخت» در این عبارت نقش قیدی دارد و به معنی «بسیار» است.

۲۴۲

الف بله، در عبارت «راه یافتم تا سعادت دیدار همایون خداوند دگر باره یافتم» به این نکته اشاره می‌کند.

ب فعل‌های مجهول: گسیل کرده شود - داده آید (داده شود)

پ آغاجی خادم: خدمتکار مخصوص مسعود غزنوی است.

۲۴۳

الف مضاف‌الیه (نکت نامه‌های ...)

ب منادا

پ مفعول

ت معطوف به نهاد

ث مسند

ج متمم

چ مسند

۲۴۴

الف کتاب‌های کتابخانه خوانده می‌شدند.

ب لباس‌ها پوشیده شدند.

پ آب جوشانده خواهد شد.

۲۴۵

الف او دیروز تمام کتاب‌ها را داشت می‌خواند.

ب قاسم پول بادآورده را نخواهد خواست.

۲۴۶

الف داده آید: داده شود

ب قید

پ نقش‌نمای متمم (متمم).

۲۴۷

مصدر	ماضی نقلی	ماضی نقلی مجهول	مضارع اخباری	مضارع اخباری مجهول
سوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	دوم شخص جمع	دوم شخص جمع
گرفته است	گرفته است	گرفته شده است	می‌گیرید	گرفته می‌شوید
فرستاده است	فرستاده است	فرستاده شده است	می‌فرستید	فرستاده می‌شوید

۲۴۸

«روش» متمم است (بعد از حرف اضافه «از، آمده» و «او» مضاف‌الیه است).

۲۴۹

«که» و «تا» دو پیوند وابسته‌ساز در این متن هستند.

۲۵۰

الف) آب: مجاز از رودخانه

(ب) شمشیر: مجاز از جنگ

۲۵۱

الف) قلم در نهادن کنایه از شروع به نوشتن کردن

ب) شمار دادن کنایه از حساب پس دادن

پ) رخت کشیدن کنایه از نقل مکان کردن و کوچ کردن

ت) باز کشیدن پا کنایه از ترک کردن و دوری کردن

ث) قدم بر قدم کشیدن کنایه از تقلید محض

ج) از خامی سوختن کنایه از بی تجربگی و نادانی

۲۵۲) الف. بخت دل از کار او برداشته بود: کنایه از بدبختی (بخت و اقبال از او برگشته بود)

ب. رخت کشیدن: کنایه از کوچ کردن

۲۵۳) شاهد ۱- زیبارو ۲- ناظر

۲۵۴

الف) «پای» و «جای»: جناس ناهمسان (ناقص)

ب) «قدم» و «قلم»: جناس ناهمسان (ناقص)

۲۵۵) آرایه تضاد وجود ندارد.

الف) کنایه: «برقدم کسی قدم کشیدن» کنایه از تقلید کورکورانه کردن

ب) مجاز: قلم مجاز از نوشته

۲۵۶) جناس ناهمسان: پای و جای

کنایه: باز کشیدن پای: کنایه از کناره گیری کردن از کاری

۲۵۷) در بیت سوال آرایه تشخیص وجود ندارد

الف) کنایه: سوختن کنایه از زیان دیدن / ب) تضاد: خام و سوخته

۲۵۸) کنایه: از روش خویش پای کشیدن: کنایه از راه رفتن خود را ترک کردن / جناس ناهمسان: پای-جای

۲۵۹) الف) جناس تام

ب) جناس ناقص: باغ، راغ، زاغ

پ) کنایه: رخت کشیدن: اقامت کردن

ت) واج آرای: تکرار صامت «غ»

۲۶۰

الف) «آب» مجاز از رودخانه

ب) «رخت کشیدن» کنایه از کوچ کردن و سفر کردن

پ) واج آرای: تکرار صامت «ت»

۲۶۱) در هر دو بیان شده که آدمی باید به فکر آخرت باشد و رفتارهایش در این جهان به شکلی باشد که در قیامت او را مؤاخذه نکنند.

۲۶۲

الف) از کاری که انجام داده بود، زیان دید.

۲۶۳) دلیل عدم پذیرش طلاهای اهدایی: قناعت به مال کم دنیایی و عدم زیاده خواهی است.

۲۶۴) الف) امیر تب کرد. تب سوزنده همراه با سرگیجه. (به قدری تب سوزان بود) که امیر اجازه ملاقات با کسی را نداد.

ب) بونصر مشکان گفت: خدا خیرتان دهد. شما دو نفر خیلی بزرگوار هستید.

۲۶۵

الف) امیر به سختی صدمه دید (۰.۲۵) و پای راستش زخمی شد (۰.۲۵) و نزدیک بود غرق شود (۰.۲۵).

۲۶۶

الف) تا برای خود زمین زراعتی کوچک حلالی بخرند و بتوانند بهتر و راحت تر زندگی کنند.

۲۶۷) آداب دان بودن (یا مفاهیم نزدیک) - ایمان به حساب قیامت (یا مفاهیم نزدیک)

۲۶۸ رفتارهای نادرست مانند تقلید کورکورانه از جمله مهم‌ترین عناصر و موضوعات فرهنگی است که شاعران و نویسندگان آن را دست‌مایه ذوق و هنر خویش قرار داده‌اند. خودکم‌بینی و خودباختگی، زیاده‌خواهی و ... از جمله عواملی هستند که شخص را به‌سوی تقلید نابجا و کورکورانه می‌کشاند و نتیجه آن جز زیان و تأسف نخواهد بود.

۲۶۹ شاعر با زبانی نمادین، به‌طور غیرمستقیم و غیرصریح یکی از نابسامانی‌های جامعه یعنی تقلید کورکورانه و خودباختگی را به تصویر کشیده است. آهنگ شعر دل‌نشین و گوش‌نواز و ریتمیک (مفتعلن، مفتعلن، فاعلن) است و با محتوای شعر همخوانی دارد.

۲۷۰ بیت صائب با مفهوم درس و سخنان قاضی بست و پسرش مرتبط است. قاضی بست گفت: روز قیامت بسیار نزدیک است و من نمی‌توانم حساب این زرها را پس بدهم. از این رو از حساب پس دادن آن در عرصه رستخیز و پرسش قیامت می‌ترسم. این نکته در بیت صائب نیز آمده است که باید در این دنیا حسابان را پاک کنیم و آن را به روز قیامت محو نکنیم.

۲۷۱ داشتن مناعت طبع و عزت نفس / پرهیز از امور حرام / تسلیم نشدن در برابر ثروت و قدرت

۲۷۲ الف) ابونصر مشکان (رئیس دیوان رسائل و دستیار ابوالفضل محمد بیهقی)

ب) نویسنده لایق و باکفایت

۲۷۳ امیر از مرگ نجات یافته، به خیمه آمد و لباس خود را عوض کرد.

۲۷۴ الف) کوتاهی جملات و تعدد فعل‌ها: ببردم و راه یافتم و برسانیدم و امیر بخواند.

ب) توصیف جزئیات: پیش رفتم. یافتم خانه تاریک کرده و پرده‌های کتان آویخته و تر کرده...

پ) ذکر دقیق تاریخ: روز دوشنبه امیر مسعود، شبگیر برنشت.

ت) پختگی و استواری سخن: راه یافتم، تا سعادت دیدار همایون خداوند، دیگر باره یافتم / این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد، تا نزدیک نماز پیشین، از این مهمات فارغ شده بود و...

۲۷۵ پایین آوردن تب و دمای بدن امیر مسعود.

۲۷۶ علت شگفتی بونصر مشکان خودداری بوالحسن بولانی، قاضی بست، از پذیرفتن طلاهای اهدایی سلطان مسعود است.

۲۷۷ حطام استعاره از مال بی‌ارزش دنیایی است.

۲۷۸ تقلید و خودباختگی

۲۷۹ تردید داشت که لشکرکشی‌های پدر مسعود (محمود غزنوی) به هند و به دست آوردن غنیمت‌های عظیم، از روی سنت پیامبر گرامی (ص) بوده است یا نه! دیگر آنکه از حساب روز قیامت می‌ترسید.

۲۸۰ پسر قاضی بست گفت: من هم فرزند این پدرم که این سخنان را مطرح کرد، من هم از سوال و حساب پرسیدن روز قیامت می‌ترسم. آنچه دارم از مال‌های دنیایی، هرچند کم است ولی به آن راضی هستم و به چیزی بیش از این نیاز ندارم.

۲۸۱ الف) مناعت طبع

ب) پرهیز از مال حرام

ج) تسلیم نشدن در برابر قدرت و پابندی به دین

۲۸۲ الف) بر حلال بودن قطعی و بی‌تردید طلاها تأکید دارد.

ب) قطعه قطعه کرده - تکه تکه کرده

۲۸۳ الف) با شادمانی شروع به نوشتن کرد.

ب) نماز ظهر

۲۸۴ الف) این هدیه سبب افتخار است.

ب) زیرا از حساب پس دادن در روز قیامت می‌ترسید.

پ) به آن احتیاجی ندارم.

۲۸۵ باید حساب آن را در روز قیامت پس بدهم.

۲۸۶ الف) وارد شدن / ب) خیس و آشفته و پریشان

۲۸۷ مسئولیت این را به عهده نمی‌گیرم.

۲۸۸ الف) از مرگ نجات یافته

ب) لباس‌هایش را عوض کرد.

۲۸۹ الف) فرمان داد - دستور داد / ب) یک میلیون

۲۹۰ ضروری نیست، به آن نیاز نیست.

۲۹۱ نمازِ ظہر

۲۹۲ (ب) داستان از زبان دانای کل مطرح می‌شود. دانای کل همان ضمیر «سوم شخص» است. که از و بیرون به موضوع داستان می‌نگرد.

۲۹۳ مفهوم کلی داستان زاغ و کبک به «سرزنش تقلید کورکورانه» و اثرات مخرب آن می‌پردازد.

۲۹۴ دلیل قاضی بست برای نپذیرفتن طلاها: قناعت به مال کم دنیا و عَدَم زیاده‌خواهی.

۲۹۵ دلیل نپذیرفتن صله: تردید در حلال بودن مال‌ها است.

۲۹۶ «ب» قاضی بست در عین نیازمندی طلاهای اهدایی غزنوی را رد می‌کند.

۲۹۷ الف) خداوند اول: امیرمسعود غزنوی / خداوند دوم: صاحب و مالک

(ب) منظور از «خواجه» خواجه بونصر مشکان استاد بیهقی است.

پ) دلیل قاضی برای رد کردن طلاهای اهدایی: تردید در حلال بودن طلاها است.

*قاضی بست به بونصر مشکان می گوید تو با محمود غزنوی در فتوحات و لشکرکشی بوده‌ای و من نبوده‌ام و نمی‌دانم که محمود غزنوی به خاطر اسلام جنگ کرده یا برای کشورگشایی.

۲۹۸ الف) «سبحان الله» شبه جمله‌ای است که در هنگام تعجب به کار می‌رود، شگفتا

(ب) منظور از امیرالمؤمنین خلیفه عباسی، القادر بالله، است.

پ) می روا دارد ستدن آن یعنی گرفتن آن را جایز و حلال می‌داند.

۲۹۹ (الف) پسر قاضی بست، بوبکر بولانی

(ب) دلایل پسر قاضی برای نپذیرفتن طلاها: ۱- اطاعت و تبعیت از پدر ۲- ترس از حساب و پرسش روز قیامت.

ج) خواجه عمید لقب بونصر مشکان دیبر رسایل سلطان محمود و مسعود غزنوی است.

۳۰۰ الف) مرجع ضمیر «ایشان» قاضی بست، بوالحسن بولانی و پسرش بوبکر هستند.

ب) علّت اندیشه‌مندی بونصر مشکان، نپذیرفتن طلاهای اهدایی سلطان مسعود غزنوی از سوی قاضی بست و پسرش بود. آنان با اینکه تنگدست بودند، صلّه امیر را رد کردند.

۳۰۱ در این دنیا به حساب و کتاب اعمال خود رسیدگی کن و ازین کار به آسایش و آسودگی برس. حساب و کتاب اعمال خود را به روز قیامت که روز مکافات است موکول نکن.

۳۰۲ الف) کبک بسیار زیبا و کمیابی در آن باغ فیروزه‌های رنگ زندگی می‌کرد گویی محبوب و زیباروی آن باغ فیروزه‌های رنگ بود.

ب) (زاغ) راه رفتن خود را کنار گذاشت و به دنبال کبک به تقلید کردن از او پرداخت.

۳۰۳ هم طرز راه رفتن کبک هماهنگ و موزون بود و هم قدم‌هایش به هم نزدیک بود.

۳۰۴ فضایی در دامنه کوه مشاهده کرد. دامن پر از گل و سبزه کوه، نشان از گنج نهفته در دل کوه داشت.

۳۰۵) زاغی به دلیل اینکه دنبال آسایش و آسودگی بود از باغ به صحرا نقل مکان کرد.

۳۰۶ الف) به بونصر بگو امروز من تندرست هستم و در این دو سه روز، اجازه ملاقات خواهم داد زیرا که تب و بیماری به کلی از بین رفته است.

(ب) اما خداوند پس از نشان دادن قدرت خود لطف کرد و جشن و شادمانی به آن فراوانی مگرد شد و از بین رفت.

۳۰۷ الف) زمانی که این بیماری پیش آمده بود، بونصر شخصاً از نامه‌های رسیده نکته‌برداری می‌کرد.

(ب) این مرد بزرگ با خوش حالی به نوشتن پرداخت و تا نزدیک نماز ظهر این کارهای بزرگ را تمام کرده بود.

۳۰۸ (الف) این هدیه مایه افتخار است پذیرفتم ولی پس می‌دهم زیرا به کار من نمی‌آید.

(ب) این کیسه‌ها را به پدر و پسر باید داد تا برای خودشان زمین زراعی کوچک و حلالی بخرند و بتوانند بهتر و راحت‌تر زندگی کنند.

۳۰۹ الف) آنچه دارم از مقدار کم مال دنیا حلال است. من این زر را نمی‌پذیرم و مسئولیت این را به عهده نمی‌گیرم.

(ب) امیر کاملاً صدمه دید و پای راستش زخمی شد و نزدیک بود غرق شود.

۳۱۰ (الف) امیرمسعود صبح زود سوار بر اسب شد.

(ب) نمی‌گوییم که به آنها نیاز ندارم اما چون قانع هستم، گناه و عذاب آن به دردم نمی‌خورد.

۳۱۱ (الف) آن‌گاه فهمیدند که کشتی دارد غرق می‌شود. فریاد همگان بلند شد و آشوبی به پا شد.

ب) نامه نوشته شد و برای تأکید امیر پای آن نامه را امضا کرد و نوید دهندگان رفتند.

۳۱۲ الف) ناگهان دیدند که چون آب فشار آورده بود، کشتی پر شده و در حال غرق شدن و شکسته شدن است.

(ب) امیر مسعود فرمان داد تا یک میلیون سکه نقره به درویشان و نیازمندان پایتخت ببخشند و دو میلیون سکه نقره به دیگر کشورها.

۳۱۳ الف) امیرمسعود به ساحل رود هیرمند رفت تا بازه‌های شکاری، بوزه‌های شکاری، خدمتکاران و نوازندگان.

(ب) ده کشتی جنگی کوچک آوردند. یکی از کشتی‌ها بزرگ‌تر بود برای نشستن امیر مسعود و گسترده‌ها گسترده‌اند.

۳۱۴ سرانجام از بی تجربگی خودش ضرر و آسیب دید (دچار مشکل شد).

۳۱۵ خامی: بی تجربگی سوخته: دچار زیان شده، به مشکل برخورد

۳۱۶ تقلید کردن - مورد سرمشق قرار دادن

۳۱۷

الف از راه رفتن خود دست کشید.

ب این هدیه مایه افتخار است پذیرفتم و پس می‌دهم زیرا به کار من نمی‌آید.

۳۱۸

الف هم حرکاتش با هم هماهنگ بود هم قدم‌هایش به هم نزدیک بود.

۳۱۹

الف آب قدرت گرفته بود (مواج شده بود یا بالا آمده بود) و کشتی پر از آب شد و شروع به غرق شدن و متلاشی شدن (شکسته شدن) کرد.

۳۲۰

الف این کیسه‌ها را باید به پدر و پسر داد تا برای خود زمین زراعتی کوچک و حلالی بخرند و بتوانند بهتر و راحت‌تر زندگی کنند.

۳۲۱

الف امیر بسیار صدمه دید و پای راستش زخمی شد و نزدیک بود غرق شود.

۳۲۲

الف امیر [مسعود] صبح زود سوار [بر اسب] شد.

۳۲۳

الف هم حرکاتش موزون و هماهنگ و گام‌هایش نیز نزدیک به هم بود.

۳۲۴

الف آن چه دارم از مقدار کم مال دنیا حلال است، من این زر را نمی‌پذیرم و مسئولیت این را به عهده نمی‌گیرم.

۳۲۵

الف راه رفتن و روش خود را فراموش کرد و از آن کار خود دچار زیان شد.

ب [نامه‌ها] نوشته شد و با امضا تأیید شد و نامه رسانان رفتند.

۳۲۶

الف امیر (مسعود) صبح زود سوار (بر اسب) شد.

۳۲۷

الف روز دوشنبه، امیر [مسعود] صبح زود سوار بر اسب شد و به ساحل رود هیرمند رفت.

۳۲۸

الف مرا به کار نیست: به آن نیاز ندارم

ب وزر: گناه/ وبال: سختی و عذاب، گناه

پ نگویم که مرا سخت دریا نیست: نمی‌گویم که بسیار نیازمند نیستم

ت دلایل قاضی: ۱- ترس از پرسش روز قیامت، ۲- قانع بودن به مال کم دنیا

۳۲۹

الف تا بالا آمدن آفتاب مشغول شکار بودند. سپس در ساحل رود نشستند.

ب اتفاقاً، بعد از نماز، پادشاه کشتی‌هایی درخواست کرد و ده تا کشتی آوردند.

پ گسترده‌ی‌ها و بسترها در آن انداختند و سایه‌بانی بر آن کشیدند.

ت نمی‌توانست اجازه دیدار و ملاقات بدهد و از نظر مردم پنهان شد، به جز از طبییان.

ث آنچه را که ناپسند و ناراحت‌کننده نبود به پایین خانه، پیش من می‌فرستاد و من آن را به پرده‌دار می‌دادم و سریع جواب می‌گرفتم.

ج پادشاه را دیدم آنجا بالای تخت نشسته، پیراهن توی بر تن و گردن‌بند در گردن کرده، که آغشته به کافور بود و بوالعلا طیب کنار تخت پادشاه نشسته بود.

ج نامه‌ای نوشت به امیر و هر چه کرده بود، شرح داد و به من داد تا ببرم، پادشاه خواند و گفت خوب است.

ح در هر کیسه، هزار مثقال سکه طلا است، به بونصر بگو که طلاهایی است که پدر ما از جنگ هند آورده است.

خ من نمی‌دانم که آن جنگ‌ها بر راه و روش حضرت رسول (ع) است یا من. من این را نمی‌پذیرم و مسئولیت آن را قبول نمی‌کنم.

د به من چه ربطی دارد که طلا را کس دیگری ببرد و در قیامت من باید جوابگوی آن باشم؟

ذ زندگی سرور بزرگ دراز باشد. به هر حال من نیز فرزند این پدرم، و آنچه دارم از مال کم دنیا، حلال و کافی است.

۳۳۰

الف زاغ پایش را جای پای کبک می‌گذاشت و از نوشته‌های او نسخه‌برداری می‌کرد. (در واقع به‌طور کامل از او تقلید می‌کرد).

ب [بونصر] روز دیگر، نامه‌ای به امیر مسعود نوشت و آن جریان را گزارش داد و طلاها را پس فرستاد.

پ شانس و بخت یار بود که کشتی‌های دیگر نزدیک او بودند.

ت از تعداد زیاد نکته‌ها، نکاتی که نامناسب و ناخوشایند نبود، به پایین دربار (اندرونی) می‌فرستاد.

ث روز دوشنبه، امیر [مسعود] صبح زود سوار بر اسب شد و به ساحل رود هیرمند رفت.

۳۳۱

الف سلطان مسعود این کار را بسیار بجا انجام داده است، و شنیده‌ام ابوالحسن و پسرش گاهی اوقات حتی ده درهم نیز برای خرج کردن ندارند.

۳۳۲

الف از مرگ نجات یافتن

۳۳۳

الف قانع بودن

۳۳۴ قانع بودن، پاک‌زیستی، اعتقاد به حلال و حرام و دوری از مال شبهه‌ناک.

۳۳۵ الف. ابوالفضل بیهقی (نویسنده)

ب. سلطان مسعود

۳۳۶ کوتاهی جملات و کامل بودن آنها

۳۳۷ تحفه‌الاحرار

۳۳۸ الف) ابوالفضل بیهقی

ب) امیرمسعود غزنوی پسر محمود غزنوی

۳۳۹ بیت سؤال سروده صائب تبریزی شاعر دوره صفویان است.

۳۴۰ الف) کتاب تحفه‌الاحرار سروده نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر قرن ۹ است.

ب) این کتاب منظوم است.

۳۴۱

الف ابوالفضل بیهقی

ب جامی

۳۴۲ رفت بر این قاعده روزی سه چار

۳۴۳

الف

عرضه‌ده مخزن پنهان کوه

دید یکی عرصه به دامن کوه

ب

شاهد آن روضه فیروزه‌فام

نادره کبکی به جمال تمام

پ

هم خطواتش متقارب به هم

هم حرکاتش متناسب به هم

ت

و آن روش و جنبش هموار را

زاغ چو دید آن ره و رفتار را

ث

باز کشید از روش خویش پای

ج

بر قدم او قدمی می کشید

۳۴۴

الف

بر قدم او قدمی می کشید

ب

کرد فرامش ره و رفتار خویش

پ

زاغی از آنجا که فراغی گزید

ت

زاغ چو دید آن ره و رفتار را

ث

نادره کبکی به جمال تمام

۳۴۵

الف

دید یکی عرصه به دامان کوه

ب

هم حرکاتش متناسب به هم

پ

باز کشید از روش خویش پای

ت

در پی اش آلفه در آن مرغزار

۳۴۶

الف

در پی او کرد به تقلید جای

۳۴۷

الف

رهروی کبک نیاموخته

۳۴۸

عاقبت از خامی خود سوخته

۳۴۹

دید یکی عرصه به دامان کوه

۳۵۰ نادره کبکی به جمال تمام / شاهد آن روضه فیروزه فام

هم حرکاتش متناسب به هم / هم خطواتش متقارب به هم

در پی او کرد به تقلید جای

وز قلم او رقمی می کشید

وز قلم او رقمی می کشید

ماند غرامت زده از کار خویش

رخت خود از باغ به راغی کشید

و آن روش و جنبش هموار را

شاهد آن روضه فیروزه فام

عرضه ده مخزن پنهان کوه

هم خطواتش متقارب به هم

در پی او کرد به تقلید جای

رفت بر این قاعده روزی سه چار

رهروی کبک نیاموخته

عرضه ده مخزن پنهان کوه